

بیانیه حزب کمونیست کارگری  
در مورد آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل



صفحه ۵

زن زندگی آزادی را از زیر آوار جنگ بیرون آوریم!  
حمید تقوائی، صفحه ۲

زمان سازماندهی و آمادگی برای سرنگونی زمان سازماندهی و آمادگی برای سرنگونی است  
بدنبال تسلیم جمهوری اسلامی، اصغر کریمی، صفحه ۶

جنگی در گرفت؛ انقلاب سر جایش هست - یاشار سهندی صفحه ۸

جنگ، بهانه ای برای اخراج وحشیانه مهاجران افغانستانی  
مهران محبی، صفحه ۷

برای نجات زندانیان از جنگ حکومت اسلامی و جنگ افروزیهایش به میدان بیاییم صفحه ۹

تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در رشت و اولتیماتوم رانندگان کامیون به اعتراض صفحه ۱۴

جلو دستگیری و اعدام به اتهام همکاری با اسرائیل را باید با قاطعیت گرفت صفحه ۱۳

هفتاد و چهارمین هفته "سه شنبه های نه به اعدام" در فضای ملتبه کنونی صفحه ۱۴

به حکومت در مانده و شکست خورده اجازه ندهیم از مردم انتقام بگیرد!، صفحه ۱۵

### مدیای اجتماعی

جنگ حکومت با دولت اسرائیل فعلاً متوقف یا تمام شده است، اما جنگ ما با حکومت همچنان ادامه دارد! حسن صالحی، صفحه ۵

بیانیه جمعی از فعالان سیاسی و مدنی: توقف فوری اعدام‌ها و آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی در ایران، صفحه ۱۱

از حسین میربهراری فعال حقوق کودک خبری در دست نیست، صفحه ۱۵

بیانیه شورای بازنشستگان ایران: برای حفظ جان و سلامت زندانیان یکصدا هستیم! صفحه ۱۶

جان زندانیان سیاسی در خطر است! صفحه ۱۶

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۹۰

۹ تیر ۱۴۰۴

۳۰ ژوئن ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

کارگران در هفته ای که

گذشته صفحه ۱۰

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۲

اتهام جاسوسی را بر سر

رژیم خراب کنیم - ژورنال

صفحه ۶

بیانیه فوری جمعی از

زندانیان زندان اوین

صفحه ۱۶

\*\*\*\*

به حزب

کمونیست کارگری

پیوندید!



تلگرام: @wpi\_tamas

۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



## زن زندگی آزادی را از زیر آوار جنگ بیرون آوریم!

حمید تقوائی

جنگ ۱۲ روزه هم از نظر نظامی و هم سیاسی ضربات مهلکی به جمهوری اسلامی وارد کرده است. پیامدها و نتایج این جنگ هر چه باشد جمهوری اسلامی به موقعیتی بسیار ضعیف تر و متزلزل تر از قبل از جنگ رانده شده و در مقابل، زمینه تعرض جامعه و برآمد مجدد انقلاب زن زندگی آزادی بیش از پیش فراهم شده است. در این شرایط بسیاری از احزاب و جریانات اپوزیسیون از آمادگی برای دوره گذار از حکومت و هماهنگی نیروها برای تاثیرگذاری در شرایط پر تحولی که پیش رو است سخن میگویند و طرحهای مختلفی ارائه میکنند. برخی به سرنگونی حکومت در دل جنگ و رژیم چنج دل بسته بودند که آتش بس ناگهانی آب سردی بر سرشان ریخت. برخی هم حمله اسرائیل را فرصت مناسبی برای افشاگرهای همیشگیشان از امپریالیسم آمریکا و از دولت صهیونیستی اسرائیل و مقابله با سناریوی سیاه یافتند و عملا در نقش شاخه چپ محور مقاومت ظاهر شدند. نیروهای ملی گرا شامل دوقردادیهای سابق و اسبق نیز دفاع از آب و خاک و مرز پرگهر در برابر تهاجم خارجی را در اولویت خود قرار دادند.

جمهوری اسلامی، جریان دارد. نیروهایی که این جنبش عظیم را فراموش کرده اند و برای دوره خلاء قدرت و دوره گذار و غیره نسخه می پیچند راه به جایی نمیرند. حمله اسرائیل توجه ها را با جنگ بالائی های معطوف کرد ولی با ختم این جنگ، جنگ میان مردم و حکومت برجسته تر از همیشه به محور توجه همگان رانده میشود. اکنون زمان برآمد مجدد نهادها و تشکلهای مبارزاتی مردم فرا رسیده است. باید پرچم انقلاب زن زندگی آزادی را بلند تر از همیشه برافراشت. این جنبش بی

شکل و نامتعین نیست. در دل این جنبش نهادها و تشکلهای شبکه ها و شوراهای و جمعهای اعتراضی و چهره ها و کنشگران بسیاری در داخل و خارج کشور فعال شده و بمیدان آمده اند. مشورها و بیانیه ها و فراخوانها و طومارهای مترقی و پیشروئی از جانب این تشکلهای و کنشگران منتشر شده و کارزارها و اعتصابات و تجمعات و شکل گرفته است. فضای اعتراضی در تظاهرات متعددی با سازماندهی آنان مدیای اجتماعی نیز به همت این نیرو زنده و پر تپش است. امروز با اطمینان میتوان گفت که جنبش سرنگونی طلبانه

**. انقلاب زن زبان آزادی زنده و پر تپش است و در دل این جنگ خشم و نفرت و عزم و اراده بیشتری یافته است. بگذارید گرد و خاک جنگ را از خود بتکاند تا برآمد مجدد آن همه را شگفت زده کند. ذلت و تحقیر حکومتی که حتی عرضه دفاع از جان بالاترین فرماندهان خود را ندارد، رژیمی که لیکود تا مغز استخوانش نفوذ کرده است، حکومتی با کلان بحرانهای مزمن و تورم و گرانی و بی برقی و بی آبی و بی امکاناتی و غیر ممکن شدن زندگی هر روزه که جنگ ابعاد گسترده تری به آن بخشیده است، و بالاخره سردرگمی و بهم ریختگی صفوف حکومتی که رهبر درمانده اش هنوز جرات ترک مخفیگاه خود را ندارد، باندازه کافی باروت برای شلیک مجدد توپخانه انقلاب فراهم کرده است.**

اصلا اتفاق نیفتاده است. گویا این تحول جاری به گذشته های دور تعلق داشته و به تاریخ پیوسته است.

ای که با قتل ژینا-مهسا امینی آغاز شد و با پرچم زن زندگی آزادی تا امروز ادامه یافته است حرکتی سازمانیافته، متعین و متشکل است. این جنبش دستاوردهای عینی و واقعی و موثری دارد که برای پیشرویهایی بیشتر باید به آنها متکی شد. وقت آنست که این جنبش در بعدی سراسری و گسترده و با در برگرفتن همه نهادها و عناصر فعالش در داخل و خارج کشور زیر چتر سازمانی واحدی گرد آید و انقلاب زن زندگی آزادی را نه تنها در مصافها و نبردهای جاری علیه جمهوری اسلامی، بلکه در کشمکشهای آتی بر سر تعیین تکلیف قدرت سیاسی نیز نمایندگی کند. تنها چنین ارگانهای برخاسته از دل جامعه و در برگیرنده همه عناصر فعاله این اولین انقلاب زنانه تاریخ میتوانند مانع هر نوع طرح و تلاش برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی از بالای سر جامعه باشند. این ارگانهای شکل گرفته و فعال در جنبش انقلابی جاری در واقع سنگ بنای ارگانهای اعمال اراده جامعه در تحولات بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی خواهند بود.

برای ایفای این نقش بخش هرچه وسیعتری از نهادها و کنشگران فعال و معرّفه و متعین جنبش زن زندگی آزادی باید در قالب یک تشکل چتری و سراسری بمیدان بیایند و اعلام وجود کنند. احزاب و سازمانهای سیاسی دخیل در این جنبش نیز به نسبت درجه نفوذ و مقبولیتشان در جامعه و در میان نهادها و تشکلهای فعال جنبش

اما این جنبش زنده است. انقلاب زن زبان آزادی زنده و پر تپش است و در دل این جنگ خشم و نفرت و عزم و اراده بیشتری یافته است. بگذارید گرد و خاک جنگ را از خود بتکاند تا برآمد مجدد آن همه را شگفت زده کند. ذلت و تحقیر حکومتی که حتی عرضه دفاع از جان بالاترین فرماندهان خود را ندارد، رژیمی که لیکود تا مغز استخوانش نفوذ کرده است، حکومتی با کلان بحرانهای مزمن و تورم و گرانی و بی برقی و بی آبی و بی امکاناتی و غیر ممکن شدن زندگی هر روزه که جنگ ابعاد گسترده تری به آن بخشیده است، و بالاخره سردرگمی و بهم ریختگی صفوف حکومتی که رهبر درمانده اش هنوز جرات ترک مخفیگاه خود را ندارد، باندازه کافی باروت برای شلیک مجدد توپخانه انقلاب فراهم کرده است. چنین جامعه ای نه رژیم چنج پذیر است و نه بخاطر جنایت اسرائیل در غزه جنگ خود را فراموش میکند. نه نگران خرابی وطنی است که چپاولگران حاکم بسیار بیشتر از بمبها و موشکهای اسرائیل آنرا ویران ساخته اند و نه مصائب و محرومیتهای خود را بیای امپریالیسم آمریکا مینویسند. بگذار با امثال نتانیاهو و ترامپ مردم آن کشورها تعیین تکلیف کنند. کار ما مردم ایران سرنگونی جمهوری اسلامی است و در این کشور، برخلاف آمریکا و اسرائیل، جنبش توده ای عظیمی با پرچم زن زندگی آزادی و با شعار دشمن ما همین جاست و با هدف روشن و اعلام شده خلاصی از شر



**زن** یعنی احترام به زندگی! یعنی برابری همگان و رفع هرگونه تبعیض!  
**زن** یعنی لغو حجاب اجباری، ممنوعیت حجاب کودک! یعنی لغو همه قوانین ضد زن  
 اسلامی!

**زن** یعنی پایان دادن به آپارتاید جنسیتی در ایران!  
**زن** یعنی پایان دادن به هرگونه ستم و تحقیر و توهین مذهبی به زنان و به همه مردم!  
**زندگی** یعنی رفاه و شادی و معیشت و منزلت برای تک تک انسانها!  
**زندگی** یعنی پایان دادن به استثمار و بردگی مزدی! یعنی پایان دادن به نابرابری  
 اقتصادی!

**زندگی** یعنی رفاه و حرمت و شادی کودکان!  
**زندگی** یعنی آب و هوای پاک و آفتاب درخشان برای همه!  
**زندگی** یعنی لغو مجازات اعدام و سوزاندن همه چوبه های دار!  
**زندگی** یعنی محاکمه همه آمران و عاملان کشتار مردم، قاتلان مهساها و نیکاهها در  
 انقلاب جاری و در چهار دهه اخیر!

**آزادی** یعنی به گور سپردن حکومت و سلطه مذهبی و قطع دست مذهب و نهادهای مذهبی  
 از زندگی مردم!

**آزادی** یعنی آزادی همه زندانیان سیاسی و باز کردن درب همه زندانها!  
**آزادی** یعنی انحلال کلیه نیروها و نهادهای سرکوب و جاسوسی علیه مردم!  
**آزادی** یعنی پایان دادن به همه مقدسات و تابوها و دگر و جبر مذهبی تحمیلی بر جامعه!  
**آزادی** یعنی آزادی بی قید و شرط بیان و تشکل و اجتماع و اعتراض!  
**آزادی** یعنی حاکمیت مستقیم شهروندان و لغو هرگونه حکومت مافوق مردم!

**زن، زندگی، آزادی یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی جامعه انسانی!**

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مهرماه ۱۴۰۱

## زن زندگی آزادی را از زیر آوار ...

از صفحه ۲

زن زندگی آزادی جای واقعی خود را در این نهاد سراسری خواهند یافت.

چنین تشکل سراسری و فراگیری جنبش زن ژیان نازادی را در یک سطح کیفیتا متفاوت و موثری وارد روند تعیین تکلیف قدرت سیاسی خواهد کرد. و انقلاب را قادر خواهد تا خود مستقیما شرایط و موازین دموکراتیکی که احزاب و نهادها باید در دوره گذار به آن پایبند باشند و تعهدات پایه ای دولت برآمده از انقلاب را اعلام نماید.

مضمون این خواستها و موازین تا کنون در منشورها و فراخوانها و بیانیه های جمعهها و شبکه ها و تشکلهای احزاب انقلابی و دست اندرکاران جنبش سرنگونی

طلبانه و جنبشهای اعتراضی جاری اعلام شده است. نهادها و تشکلهای گرد آمده در نهاد چتری و سراسری زن زندگی آزادی با اعلام این موازین و خواستها حضور متحدانه خود را در صحنه مبارزه برای قدرت سیاسی اعلام میکنند. این خواستها در واقع معیار ارزیابی احزاب و نیروهای سیاسی و جدا کردن سره از ناسره در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و شکل دهی به نظام آتی نیز هست.

من همه نهادها و تشکلهای شبکه های فعال در جنبش سرنگونی و جنبشهای مختلف اعتراضی در جامعه و همه احزاب انقلابی را به تلاش برای شکل دهی به سازمان چتری و سراسری در برگیرنده همه فعالین فرامیخوانم. حزب ما به سهم خود از هیچ کوششی در این جهت دریغ نخواهد کرد. (۶ تیر ۱۴۰۴، ۲۷ ژوئن ۲۰۲۵)

# زننده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

## منشور مطالبات حداقلی شکل‌های مستقل صنفی و مدنی ایران

مردم شریف و آزاده ایران!

در چهل و چهارمین سالروز انقلاب پنجاه و هفت، شیرازه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور به چنان گردابی از بحران و از هم گسیختگی فرو رفته است که هیچ چشم‌انداز روشن و قابل‌حصولی را نمی‌توان برای پایان دادن به آن در چهارچوب روبنای سیاسی موجود متصور بود. هم‌اکنون رو است که مردم ستمدیده ایران - زنان و جوانان آزادیخواه و برابری‌طلب - با از جان گذشتگی کم‌نظیری خیابان‌های شهرها را در سراسر کشور به مرکز مصافی تاریخی و تعیین‌کننده برای خاتمه دادن به شرایط ضد انسانی موجود تبدیل کرده‌اند و از پنج ماه پیش - به رغم سرکوب خونین حکومت - لحظه‌ای آرام نگرفته‌اند.

پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز به‌دست زنان، دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان، کارگران و دادخواهان و هنرمندان، کوئیرها، نویسندگان و عموم مردم ستمدیده ایران در جای جای کشور از کردستان تا سیستان و بلوچستان برافراشته شده و کم‌سابقه‌ترین حمایت‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده، اعتراضی است علیه زن‌ستیزی و تبعیض جنسیتی، ناامنی پایان‌ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار، فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، ستم ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیر مذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته، به ما - عموم مردم ایران - تحمیل شده است.

این اعتراضات - زیر و رو کننده، برآمده از متن جنبش‌های بزرگ و مدرن اجتماعی و خیزش نسل شکست‌ناپذیری است که مصمم‌اند بر تاریخ یکصد سال عقب‌ماندگی و در حاشیه ماندن آرمان بر پای جامعه‌ای مدرن و مرفه و آزاد در ایران، نقطه پایانی بگذارند. پس از دو انقلاب بزرگ در تاریخ معاصر ایران، اینک جنبش‌های بزرگ اجتماعی - پیشرو - جنبش کارگری، جنبش معلمان و بازنشستگان، جنبش برابری خواهانه زنان و دانشجویان و جوانان و جنبش علیه اعدام و... در ابعادی توده‌ای و از پایین در موقعیت تاثیر گذاری تاریخی و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گرفته‌اند.

از همین رو، این جنبش بر آن است تا برای همیشه به شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد و سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهائی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض و استثمار و استبداد و دیکتاتوری باشد.

ما تشکلهای و نهادهای صنفی و مدنی امضا کننده این منشور با تمرکز بر اتحاد و به هم پیوستگی جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضد انسانی و ویرانگر موجود، تحقق خواست‌های حداقلی زیر را به مثابه اولین فرامین و نتیجه‌ی اعتراضات بنیادین مردم ایران، یگانه راه پی افکنی ساختمان جامعه‌ای نوین و مدرن و انسانی در کشور می‌دانیم و از همه انسان‌های شریف که دل درگرو آزادی و برابری و رهائی دارند می‌خواهیم از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی را بر بلندای قله رفیع آزادیخواهی برافراشته دارند.

۱- آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم‌انگاری فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی و محاکمه علنی آمرین و عاملین سرکوب اعتراضات مردمی.

۲- آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، تحزب، تشکل‌های محلی و سراسری صنفی و مردمی، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های صوتی و تصویری.

۳- لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات مرگ، اعدام، قصاص و ممنوعیت هر قسم شکنجه روحی و جسمی.

۴- اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی‌قید و شرط قوانین و فرم‌های تبعیض آمیز علیه تعلقات و گرایش‌های جنسی و جنسیتی، به رسمیت شناختن جامعه‌ی رنگین‌کمانی "ال‌جی‌بی‌تی‌کیو‌آی‌ای‌پلاس"، جرم زدایی از همه تعلقات و گرایش‌های جنسیتی و پایبندی بدون قید و شرط به تمامی حقوق زنان بر بدن و سرنوشت خود و جلوگیری از اعمال کنترل مردسالارانه.

۵- مذهب امر خصوصی افراد است و نباید در مقدرات و قوانین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور دخالت و حضور داشته باشد.

۶- تامین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده‌های منتخب تشکل‌های مستقل و سراسری آنان.

۷- امحا قوانین و هر گونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی و ایجاد زیر ساخت‌های مناسب حمایتی و توزیع عادلانه و برابر امکانات دولتی برای رشد فرهنگ و هنر در همه مناطق کشور و فراهم کردن تسهیلات لازم و برابر برای یادگیری و آموزش همه زبان‌های رایج در جامعه.

۸- بر چیده شدن ارگان‌های سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت و دخالت مستقیم و دائمی مردم در اداره امور کشور از طریق شوراهای محلی و سراسری. عزل هر مقام دولتی و غیر دولتی توسط انتخاب کنندگان در هر زمانی باید جزو حقوق بنیادین انتخاب کنندگان باشد.

۹- مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی و خصوصی که با غارت مستقیم و یا رانت حکومتی، اموال و ثروت‌های اجتماعی مردم ایران را به یغما برده‌اند. ثروت حاصل از این مصادره‌ها، باید به فوریت صرف مدرن سازی و بازسازی آموزش و پرورش، صندوق‌های بازنشستگی، محیط زیست و نیازهای مناطق و اقشاری از مردم ایران شود که در دو حکومت جمهوری اسلامی و رژیم سلطنتی، محروم و از امکانات کم‌تری برخوردار بوده‌اند.

۱۰- پایان دادن به تخریب‌های زیست محیطی، اجرای سیاست‌های بنیادین برای احیای زیرساخت‌های زیست محیطی که در طول یکصد سال گذشته تخریب شده‌اند و مشاع و عمومی کردن آن بخش‌هایی از طبیعت (همچون مراتع، سواحل، جنگل‌ها و کوهپایه‌ها) که در قالب خصوصی سازی حق عمومی مردم نسبت به آن‌ها سلب شده است.

۱۱- ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش آنان جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده. ایجاد رفاه همگانی از طریق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی قدرتمند برای همه افراد دارای سن قانونی آماده به‌کار و یا فاقد توانایی کار. رایگان سازی آموزش و پرورش و بهداشت و درمان برای همه مردم.

۱۲- عادی سازی روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه کشورهای جهان بر مبنای روابطی عادلانه و احترام متقابل، ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای صلح جهانی.

از نظر ما مطالبات حداقلی فوق با توجه به وجود ثروت‌های زیر زمینی بالقوه و بالفعل در کشور و وجود مردمی آگاه و توانمند و نسلی از جوانان و نوجوانانی که دارای انگیزه فراوان برای برخورداری از یک زندگی شاد و آزاد و مرفه هستند، به فوریت قابل تحقق و اجراست. مطالبات مطروحه در این منشور، محورهای کلی مطالبات ما امضا کنندگان را لحاظ و بدیهی‌ست در تداوم مبارزه و همبستگی خود به صورت ریز و دقیق‌تری به آنها خواهیم پرداخت.

اسامی امضاکنندگان: شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، اتحادیه آزاد کارگران ایران، اتحادیه تشکل‌های دانشجویی دانشجویان متحد، کانون مدافعان حقوق بشر، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، خانه فرهنگیان ایران (خافا) - بیدارزنی - ندای زنان ایران - صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز، کانون مدافعان حقوق کارگر، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان ایران، تشکل دانشجویان پیشرو، شورای دانش آموزان آزاد اندیش ایران، سندیکای نقاشان استان البرز، کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران، شورای بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی (بستا)

۱۴۰۱/۱۱/۲۶ (بازنشر یک سند تاریخی انقلاب زن زندگی آزادی)



سال ۶۷ است. امروز حکومت بسیار متزلزلتر و به هم ریخته‌تر و مردم بسیار معترض و متشکل و مصمم‌تر از هر دوره‌ای هستند. اکنون، مردم با رژیم روبرو هستند که بشدت تضعیف و تحقیر شده است. مردمی که سال‌هاست با اعتراضات گسترده خواهان حقوق خود بوده‌اند و نزدیک به سه سال است که با پرچم زن زندگی آزادی کل موجودیت جمهوری اسلامی را هدف قرار داده‌اند، می‌توانند مقابل هر سرکوب و توطئه‌ای بایستند و به تعرض گسترده‌تری علیه جمهوری اسلامی دست بزنند.

اگرچه جنگ برای مدتی اعتراضات مردمی را به حاشیه برد، اما خشم و نارضایتی مردم را بیش از پیش انباشته کرده است. سرنگونی طلبی و مبارزه برای خلاصی از شر رژیم جنگ افروز جمهوری اسلامی اکنون زمینه و نیروی محرکه تازه‌ای یافته است. باید با صدای بلند اعلام کرد که دیگر حاضر نیستیم تاوان جنگ‌افروزی‌های حکومت را بپردازیم. باید با صدای بلند اعلام کنیم که کلیه برنامه‌های اتمی و موشکی حکومت باید بلافاصله متوقف شود. اکنون بیش از هر زمان دیگری لازم است با قاطعیت از دستاوردهای انقلاب "زن، زندگی، آزادی"، از سنگر بی‌حجابی، از مبارزه برای آزادی فوری زندانیان سیاسی و عقیدتی و از لغو مجازات اعدام دفاع کنیم. می‌توانیم و باید فاز دیگری از انقلاب زن زندگی آزادی را سازمان دهیم و رژیم مستاصل و بی‌آبروی اسلامی را برای همیشه از صحنه جامعه جارو کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ تیر ۱۴۰۴، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵

## بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد آتش‌بس میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل

آتش‌بس اعلام شده عملاً به معنی پذیرش شکست از جانب جمهوری اسلامی است. رژیمی که تا آخرین لحظات با رجزخوانی از "انتقام سخت" سخن می‌گفت و بر طبل جنگ می‌کوبید، پس از تحمل شکست‌های سنگین نظامی، در نهایت ذلت ناچار به عقب‌نشینی و پذیرش آتش‌بس شد.

این رژیم با پروژه هسته‌ای، برنامه‌های موشکی، جنگ‌افروزی در منطقه، حمایت مالی و تسلیحاتی از نیروهای نیابتی و سیاست‌های اسرانیل‌ستیزی و آمریکاستیزی کشور را در آتش جنگ فرو برد اکنون، پس از انهدام مراکز هسته‌ای و تحمل ضربات نظامی متعدد عملاً تسلیم شده است. این شکست به مراتب سهمگین‌تر و مهلک‌تر از "نوشیدن جام زهر" خمینی یا "نرمش قهرمانانه" خامنه‌ای است.

جمهوری اسلامی پس از این شکست، دیگر آن رژیم پیش از جنگ نخواهد بود. حکومت بخش مهمی از فرماندهان نظامی خود را از دست داده، رهبرش به پناهگاه‌ها گریخته، صفوفش به شدت در هم ریخته و مراکز اقتدار پوشالی‌اش در هم شکسته است. از نظر سیاسی نیز این جنگ عملاً ادامه استراتژی و تبلیغات اسرانیل ستیزانه حکومت را ناممکن کرده است. این ضربه مهلکی به هویت و موجودیت جمهوری اسلامی است. خامنه‌ای که همواره با دریائی از خشم و نفرت مردم ایران مواجه بوده است اکنون در میان پیروانش نیز تحقیر و بی‌اعتبار شده است. او پس از این ضربات دیگر قادر نخواهد بود همچون گذشته چسبی برای اتصال بخش‌های مختلف حکومت و همچنین بقایای نیروهای نیابتی‌اش در منطقه باشد و حتی در نزد این نیروها نیز موقعیت و اتوریته‌اش را تماماً از دست خواهد داد.

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند به بهانه‌هایی نظیر همکاری و جاسوسی برای اسرانیل، موجی از دستگیری و سرکوب و اعدام راه بیندازد، اما نخواهد توانست جامعه را مرعوب کند. اشتباه است اگر تصور کنیم شرایط امروز جامعه ایران شبیه

## جنگ حکومت با دولت اسرانیل فعلاً متوقف یا تمام شده است، اما جنگ ما با حکومت همچنان ادامه دارد!

**جنگ حکومت با دولت اسرانیل  
فعلاً متوقف یا تمام شده است،  
اما جنگ ما با حکومت مستبد و چابک‌انگار  
اسلامی همچنان با تمام قوا ادامه دارد!**

نخواهیم ایستاد.  
مقصد این جنگ، سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و برابر است. (برگرفته از صفحه فیس بوکی حسن صالحی)

جنگ حکومت با دولت اسرانیل فعلاً متوقف یا تمام شده است، اما جنگ ما با حکومت مستبد و چابک‌انگار اسلامی همچنان با تمام قوا ادامه دارد!

این جنگ، جنگ زن، زندگی، آزادی است در برابر رژیم زن‌ستیز، زندان و اعدام جمهوری اسلامی!

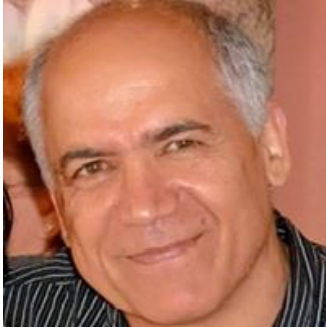
این جنگ، نبرد معیشت و منزلت است در برابر رژیمی که ۴۶ سال است همه ارزش‌های انسانی را لگدمال کرده است!

این جنگ، جنگ ما با فقر و فلاکتی است که رژیم ویرانگر اسلامی بر مردم ایران تحمیل کرده است!

این جنگ، جنگی است برای نجات محیط زیست ایران که این رژیم کمر به نابودی آن بسته است!

این جنگ، جنگ زن، زندگی، آزادی است در برابر رژیم زن‌ستیز، زندان و اعدام جمهوری اسلامی!

۴۶ سال است که ما درگیر این جنگ هستیم، و تا به مقصد نرسیم، از حرکت باز



## اصغر کریمی: زمان سازماندهی و آمادگی برای سرنگونی زمان سازماندهی و آمادگی برای سرنگونی است

### بدنبال تسلیم جمهوری اسلامی

گرفته و مردمی که از سالها قبل قصد سرنگونی اش را دارند در شرایط مساعدتری امر سرنگونی را با قدرت در پیش می‌گیرند.

اکنون وقت سازماندهی است.

شوراهای اعتراضی، شبکه‌های سراسری و انواع نهادها و تشکل‌های دیگر را باید سریعاً در همه جا سازمان دهیم و با آمادگی کامل به رویارویی با حکومت برویم. خواست‌هایمان روشن است. نابودی کامل جمهوری اسلامی و انحلال نیروهای سرکوب، آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام و احکام اعدام، آزادی‌های بی قید و شرط سیاسی، لغو حجاب اجباری و همه قوانین ضدزن، محاکمه سران و دست‌اندرکار و جنایتکار حکومت و صدها خواست بزرگ و کوچک رفاهی و سیاسی و اجتماعی که در بیانیه‌ها و منشورهای فعالین و تشکل‌های مختلف و بطور جامع در برنامه حزب کمونیست کارگری اعلام شده است. همه جا متشکل و متحد شویم و با روحیه‌ای مصمم و امیدوار برای سرنگونی جمهوری اسلامی به میدان بیاییم.

جمهوری اسلامی در اوج ذلت تسلیم شد و آتش بس را پذیرفت. با لشگری در هم شکسته، با نیروهایی روحیه باخته و فرمانده از دست داده، با تاسیسات اتمی نابود شده و رهبری که دیگر صدایی ندارد.

این دیگر نرمش قهرمانانه نیست، این تسلیم کامل به شیطان بزرگ و دولت اسرائیل است. شکستی که حکومت را در مقابل دشمن اصلی اش یعنی مردم بشدت تضعیف کرده است.

مردمی که دست به خیزش‌های عظیمی از جمله انقلاب زن زندگی آزادی زدند و جمهوری اسلامی را در زمینه حجاب تسلیم خود کردند و ضربات سیاسی قدرتمندی به حکومت زدند، اینبار در توازن قوای بسیار متفاوتی به میدان می‌آیند. در مقابل حکومتی که صفوف رهبری اش در تشتت کامل به سر می‌برد. توجه کنید که آتش بسی که جمهوری اسلامی پذیرفته از طرف هیچ مقامی اعلام نشده است نه خامنه‌ای که در چاهی یا تونلی مخفی شده، نه رئیس جمهورش نه فرماندهان سپاه نه مجلس و نه هیچ ارگان و مقام دیگری. اطلاعیه‌ای به صدا و سیما داده شده و مجری آنرا قرائت کرده است! همین یک نکته به حد کافی صفوف آشفته و بهم ریخته حکومت را نشان می‌دهد.

حکومت در بدترین شرایط تاریخی خود و در آستانه فروپاشی و سرنگونی قرار

## اتهام جاسوسی را بر سر رژیم خراب کنیم - ژورنال

دادستان اهواز در استان خوزستان روز چهارشنبه گفت: "برای ۲۳ متهم به "جاسوسی" برای اسرائیل "در سریع‌ترین زمان ممکن" کیفرخواست صادر شد." به گزارش رسانه‌ها در ایران، این مزدور حکومت مدعی شد: "این افراد با اقدامات خود امنیت کشور را هدف قرار داده بودند"، و افزود که آن‌ها "در پوشش‌های مختلف اقدام به انجام اقدامات خرابکارانه در استان، حمایت، جمع‌آوری اطلاعات برای دشمن، تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی، عملیات روانی، انتشار اخبار کذب، سعی در برهم زدن امنیت ملی و روانی مردم داشته‌اند."

این افراد اگر جاسوس اسرائیل بودند، بجای فعالیت در مدیای اجتماعی و تبلیغ علیه این حکومت ضد بشری و بر هم زدن امنیت روانی، جان این دادستان مزدور را می‌گرفتند و او را به سزای اعمال ضد بشری خود می‌رساندند. باید به این جانپان اسلامی گفت ماموریت ماموران موساد طور دیگری در ایران برنامه ریزی شده و پیش رفته و در همان لحظه اول جان بسیاری از فرماندهان ارشد جمهوری اسلامی را گرفته است. با این اوصاف این اتهامات بی پایه و اساس نمی‌تواند مانع مبارزه مردم برای رسیدن به یک جامعه انسانی بدون حکومت اسلامی شود.

در این روزها جمهوری اسلامی در تلاش برای مرعوب کردن مردم تنها می‌تواند به همین حربه نخ نمای "جاسوسی برای اسرائیل" متوسل شود. برای تودهنی زدن به این جانپان مفلوک حکومت

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



اسلامی که حتی نتوانستند جان بالاترین مقامات نظامی و دانشمندان هسته‌ای خود را حفظ کنند، مدیای اجتماعی و صحنه سیاسی و کوچه و خیابان و محل زیست و کار را به صحنه اعتراض و مبارزه تبدیل کنیم.

رژیم به عبث تلاش می‌کند این طوفان که با حمله اسرائیل به حکومتش به راه افتاده است را مهار کند. مردم در همین روزها به بهترین وجه ممکن زبونی حکومت را دیده‌اند. همین موقعیت سیاسی و اجتماعی به ما فرصت می‌دهد با قدرت هرچه تمام‌تر در مقابل رژیم خود را سازمان دهیم.

هر دستگیری را به وسیله‌ای برای اعتراض به حکومت اسلامی تبدیل کنیم و نگذاریم در سایه این آتش بس دولتهای جهان چشم بر جنایات رژیم بیندند. صحنه مبارزه با رژیم داغ و پر جوش و خروش است. بر آتش این مبارزه بدمیم.

## جنگ، بهانه ای برای اخراج وحشیانه مهاجران افغانستانی

مهران محبی

درمانده از بازداشت مامورین موساد؛  
حمله به شهروندان بهایی، یهودی  
و مهاجرین افغانستانی



است. و این چنین است که همانند همیشه مدعی دروغین فتح و پیروزی شده و در کنار آن دست به یک چپاول آشکار از اموال مردم می زند.

بطور واقعی نیز دشمن اصلی جمهوری اسلامی مردم هستند که عزمشان را برای رهایی از این جهنم جزم کرده اند. و امروز این حکومت در موقعیتی است که تنها راه پیش رو خود را به عبث مقابله با جامعه می بیند.

مهاجران افغانستانی که رژیم همواره طی ده ها سال افغانستانی ها که بخشی از همین مردم هستند همواره مورد تحقیر، اذیت و آزار و اخراج قرار داشته و حکومت با تبلیغات نژاد پرستانه و فاشیستی اسلامی خود سعی کرده تا تقصیر مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه را بر گردن آنها بیاندازد. سران دزد و غارتگرش نیز در میان این گرد و خاک های عوامفریبانه کوشیده اند غارتگری های خود را به پیش ببرند. امروز جنایتکاران اسلامی به بهانه جدیدی در شرایط جنگی متوسل شده اند تا امکان کار و زندگی فقیرانه ای که این بخش از جامعه را که در ازای پرداخت بخشی از دسترنج شان به دزدان حکومتی تحت عنوان حق اقامت و حق کار کردن (رشوه و حق سکوت) در مزارع، مرغداری ها، دامداری ها و کارگاه های آلوده و غیره کار میکنند را با ضرب و شتم و تحقیر مانند مجرمان بازداشت و روانه آن سوی مرزشان کنند.

تردیدی نیست که بازداشت و اخراج مهاجران افغانستانی در این شرایط و با چنین اتهام امنیتی ای که در گستره سراسری تری به مردم به اصطلاح بومی مخالف رژیم زده می شود، بخشی از پروژه سرکوبگرانه حکومت برای به عقب راندن کل جامعه و جان بدر بردن خود از اوضاع شدیداً به هم ریخته درونی و آشفتگی و روحیه باختگی در درون نیروهای نظامی و امنیتی اش به دنبال کشته شدن اکثر فرماندهان نظامی، امنیتی و مهره های هسته ای و نابودی مراکز اصلی مرتبط اش است.

اوضاع رژیم بعد از جنگ ۱۲ روزه به حدی بحرانی و شکننده شده است که رهبرش هنوز از مخفیگاه زیر زمینی اش بیرون نیامده و در یک وضعیت وحشت زده و اضطراب روحی و نابسامانی روانی به سر می برد. اوضاع دیگر سران و فرماندهان فعلاً جان به در برده از حمله هواییمها و پهبادهای اسرائیلی هم چندان تعریفی ندارد. از جمله آنهایی هم که همچنان رجز می خوانند و خود را پیروز جنگ می دانند، در مراسم دفن سرداران شان از ترس شناسائی و مورد هدف پهبادهای اسرائیلی قرار نگرفتن سر و صورت هایشان را با کلاه و ماسک پوشیده بودند و با زبونی تمام به جای رهبر، ماکت مقوائی اش را پیشاپیش کامیون حامل اجساد به حرکت در آورده بودند.

این شکست مفتضحانه و رسوا کننده برای رژیم است که می خواهد انتقام اش را از جامعه بگیرد و طبیعی است که بیشتر از هر بخشی، فشار خود را بر روی کارگران و زحمتکشان افغانستانی مقیم ایران می گذارد، چون فکر می کند تنها و بدون حامی و پشتیبان هستند! از اینرو وظیفه ما کارگران و همه مردمی است که نمی خواهند سر بر تن جمهوری اسلامی باقی بماند اینست که در مقابل حکومت بایستند و اجازه ندهند پروژه سرکوب و انتقام گیری خود از جامعه را با چپاول و اخراج مهاجران افغانستانی به بهانه های واهی امنیتی به موازات تقویت فضای امنیتی و گسترش بازداشت ها و ادامه اعدام زندانیان سیاسی تکمیل و به جلو ببرد.

جنگ دوازده روزه میان دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی بهانه ای جدید به رژیم جنایتکار اسلامی داده تا با تهاجم گسترده به کارگران و زحمت کشان فراری از شرایط ضد انسانی و فقر و تنگدستی بی حد و حصر تحمیل شده توسط وحوش طالبان بر جامعه افغانستان، اوج وحشیگری و فاشیسم خود را به نمایش بگذارد.

یورش نیروهای مزدور انتظامی بر اساس دستور جدیدی که توسط فرمانده مرزبانی فراجا مینی بر اخراج همه افغانستانی های فاقد مجوز قانونی در همین چند روزه بعد از آتش بس به حدی گسترده بوده و به حدی با برخورد های ضد انسانی و فاشیستی همراه بوده که صدای نهادهای بین المللی مرتبط با حقوق مهاجران و پناهجویان را در آورده است. در رابطه با وضع افغانستانی های اخراج شده از ایران که در مرز بدون هیچ امکانی بلا تکلیف مانده اند، برنامه جهانی غذا اعلام کرده که برای ادامه ارائه کمک های غذایی اضطراری به این جمعیت به ۲۵ میلیون دلار نیاز دارد.

آمارهای رسمی نشان می دهند که از زمان آتش بس، روزانه ده ها هزار مهاجر افغانستانی توسط جمهوری اسلامی از ایران اخراج می شوند. بنا بر گزارشات تنها در عرض یک هفته ۸۸ هزار مهاجر از ایران اخراج شده اند.

مقامات جنایتکار جمهوری اسلامی علت این اخراج گسترده افغانستانی ها را همکاری برخی از افغانستانی های فاقد مجوز قانونی با سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) در قبال دریافت پول عنوان کرده و به آن ها اتهام عوامل اصلی ناامنی در کشور نسبت داده اند. به این بهانه واهی، مقامات حکومتی و فرماندهان جنایتکار انتظامی به مزدوران خود دستور داده اند که همه افغانستانی های فاقد مجوز را بازداشت و بدون اینکه اجازه برداشتن هیچ وسیله و لوازم و اثاثیه خانگی که با هزار بدبختی و مشقت برای استفاده خانواده هایشان طی سال ها با صرف بخشی از دسترنج های حقیرانه خود تهیه کرده بودند، روانه مرز افغانستان و اخراجشان کنند. گزارشات زیادی در رسانه های اجتماعی منتشر شده که مأموران سرکوبگر و مزدور انتظامی و مرزبانی حتی گوشی های موبایل کسانی که بازداشت و اخراج شده اند را ضبط کرده اند. طبق شواهد و همچنین با استناد به شرح حالی که برنامه جهانی غذایی از وضعیت دردناک مهاجران اخراج شده در مرز میان ایران و افغانستان ارائه کرده است، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی عملاً همه دار و ندار مهاجران را چپاول کرده و آن ها را در بدترین شرایط و بدون آنکه چیزی برایشان برای ادامه زندگی در جهنم افغانستان تحت کنترل وحوش از جمهوری اسلامی وحشی تر طالبان باقی گذاشته باشند، به آن سوی مرز فرستاده است. رژیم ضد انسان اسلامی در تکمیل ددمنشی و گسترش دامنه چپاولگری خود، در دستور جدیدش برای اخراج مهاجران افغانستانی اعلام کرده که هر گونه اجاره نامه ملکی میان این مهاجران و صاحبان املاک اجاره داده شده باطل است و املاکی که به مهاجران بدون مجوز اجاره داده شوند، پلمب و مصادره خواهند شد.

به این ترتیب سران جنایتکار و ضد مهاجران افغانستانی در حالی که حکومتشان به دنبال شکست سنگین نظامی اش در برابر دشمنان ایدئولوژیک خود که وعده داده بود یکی را نابود کند و کاخ ریاست جمهوری دیگری را به حسینیه تبدیل کند، در بدترین شرایط سیاسی خود گرفتار شده، همزمان با امنیتی کردن فضای جامعه و بازداشت هزاران فعال و مخالف جمهوری اسلامی با اتهام همکاری با موساد، تحت همین عنوان و با اتهام همکاری با موساد یورش وسیعی به مهاجران افغانستانی آورده است. یک هدفشان از این یورش لاپوشالی کردن شکست سهمگین که خورده ند، پروژه شکست اطلاعاتی شان در برابر موساد است که تا بیت رهبرشان نفوذ کرده

## جنگی در گرفت؛ انقلاب سر جایش هست - یاشار سهندی

نیمه شب فرصت ردیابی صدای پرنده های مرگ را نمی داد. با هر صدای انفجاری، پناهگاهی نیست که به آنجا پناه برد به سرعت خود را به پشت بام میرساندیم. و با دلواپسی و دلهره در تاریکی شب دنبال ردی از دود و آتش بودیم. چیزی مشخص نبود و این بر اضطراب می افزود که "کجا رازد؟"

آمدم پایین ماهواره روشن بود. تیترا خبر فوری این بود که اعلام آتش بس شده است. مهمان برنامه که از ذوب شدگان در کینگ پهلوی بود، چون آروزهایش در کشتار و جنگ می جوید از شنیدن خبر آتش بس هذیان میگفت: نه خانم ببینید این متن که ترامپ نوشته مفهوم نیست، 6 ساعت بعد از 12 ساعت...! اما خانم مجری که شبکه تلویزیونی اش درست به سخنگونی ارتش اسرائیل تبدیل شده است، با نابوری اطمینان میداد: که آتش بس، آتش بس! هنوز ساعتی از بمباران قبلی نگذشته بود که حمله دوباره شروع شد. یک، دو، سه، چهار. پشت سر هم صدای انفجار از دور دست و نزدیک. تا زمان شروع آتش بس هر دو طرف فرصتی داشتند که باز هم کشتار راه بیندازند.

صبح که شروع شد. مفهوم آتش بس را برای اولین بار از نزدیک حس کردیم. اینکه دیگر فعلا قرار نیست از آسمان بالای سرت مرگ با صدای مهیب حضور خودش را اعلام کند. این آتش بس چیزی از جنس آرامش نیست، چون هنوز هم میتوان صدای گشت و گذار جنگنده های اسرائیل را شنید که برای خودشان چرخ میزنند.

در طی این ۱۲ روز، آسمان ایران در تسلط کامل جنگنده های اسرائیل بود و نهایتا آمریکا هم به آن پیوست. تسلطی برای اجرای سمفونی مرگ. که اوج این سمفونی چند ساعت آخر مانده به آتش بس بود. نیمه های شب آخرین شب، شب های هول و مرگ، گویی دیگر فرصت باقی نیست که کشتار کنند و برای اینکه در مذاکرات احتمالی بعد از آتش بس در مقابل حریف با دست پُر روبرو شوند هر آنچه توانستند انجام دادند که بیشتر خرابی و کشتار بر جای گذاشته باشند. نمیدانم این توصیه کتاب هنر جنگ است یا تجربه خونبار تاریخ طبقاتی است.

جنگ ۱۲ روزه آخر مصیبتی بود بر انبوه مصیبتهای که رژیم اسلامی سرمایه بر ما مردم ایران تحمیل کرد. حکومت اسلامی نیم قرن است که رجز میخوانند که کافی است یک میلیارد مسلمانان تف کنند تا اسرائیل را آب ببرد! و برای کشتار اهالی تل آویو و حیفا انواع و اقسام موشکهای مدرن را آماده ساخته بودند. قاتل مسافران پرواز اوکراینی، یک زمانی فرموده بودند: "عین گوشت زیر دندان ما هستند!؛ حاجی زاده و امثالهم که آرزوی شهادت در جنگ با رژیم صهیونی "داشتند نفهمیدن تیر غیب از کجا آمد و چگونه مُردند و به لقاءالله پیوستند.

جنگ ۱۲ روزه فرصتی بود که درک کنیم که اهالی غزه چه کشیدند و می کشند. در عین حال این جنگ نشان داد که جمهوری اسلامی پوشالی تر از این حرفهاست. ضرباتی که در اثر این جنگ به این حکومت وارد شد، رژیم اسلامی سرمایه پیش از بیش ناتوان و درمانده تر کرد. اگر این حکومت بعد از جنگ از دهان رهبر درمانده اش که این روزها هیچ سوراخی امنیت او را تضمین نمی کند، در حالی که حال نزارش در طنین صدایش منعکس بود گفت: ما پیروز شدیم!، این یک پیام به طرف اسرائیلی و امریکایی اش نیست که دقیقا میدانند چکار کردند، این یک گنده گویی بی معنی است که شاید ما مردم که برای سرنگونی این حکومت سخت بی تاب شدیم بترساند. برای ایجاد رعب و وحشت نیروهای سرکوبگرش را به خیابانها گسیل کرده تا با ایست و بازرسی مثلا وحشت را در دل مردم بکارد. و در عین حال به آنها

یک جنگ دیگر، به انبوه جنگهای اسرائیل در تاریخ ثبت شد، "جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل". آنهایی که اهل فن جنگ و جنگیدن هستند از این جنگ آخر سخت به وجد آمدند که "اسرائیل بسیاری از رکوردهای جنگهای تاکنونی در تاریخ را جابجا کرده است!" و تاکید دارند باید در کتاب "هنر جنگ"، که اثری مربوط به شش قرن پیش از میلاد، تجدید نظر اساسی صورت گیرد.

یک چیز در این جنگ بر ما که تازه آنرا تجربه کردیم، ثابت شد که "جنگهای مدرن" یکی از کثیف ترین نوع جنگهاست که جبهه جنگ همه جاهایی است که انبوه مردم بی دفاع زندگی میکنند. و البته آنهایی که شیفته هنر جنگ هستند، و یا استاد علوم نظامی هستند یا پدرشان یک زمانی نظامی بوده، یا مفسرین پُروگویی میگویند: ای بالاخره جنگ یک خورده عوارض هم دارد، چند تا غیر نظامی کشته و مجروح میشوند، (این "چند تا" چیزی در حدود چند هزار نفر است، اگر ادامه می یافت به چندین هزار نفر و شاید به صدها هزار نفر هم میرسید) خانه هایی ویران میشود، جنگ است دیگر، این مسایل اجتناب ناپذیر است!"

یک چیز مسلم است از شش قرن پیش از میلاد بگیرد تا امروز که قرن بیست یکم است، جنگهایی که تصمیم سازان طبقات حاکم در طول این تاریخ پر طول و دراز براه انداختند، در این خلاصه میشود که تمام مصائب جنگ را بر سر مردم بی دفاع آوار کنند. یعنی هر طرف جنگ دستش رسیده مردم را قتل عام کرده است و پشت سر خود ویرانی برجای گذاشته است؛ و نامش در تاریخ ستمکاران به عنوان یا یک خونریز، و یا یک فرمانده باهوش و زیرک (نتیجه هر دو یکی است) ماندگار شده است.

آنهایی که تشنه به دریا ریختن مردمان ساکن محدوده ای به نام اسرائیل هستند، "ضد صهیونیستها" نیز سخت به وجد آمدند که شاهد بودند چگونه مرگ در آسمان شهرهای اسرائیل به پرواز درآمده بود. که "بالاخره اهالی آنجا هم مصائب کشتار و استرس جنگ را از نزدیک لمس کردند" به وقتی که موشکهای جمهوری اسلامی مرگ را بی محابا بر سر مردم در شهرهای اسرائیل می کوبید. باور کردنی نیست اما حقیقت دارد کسانی در این دنیا هستند که آرزو به دل مانده بودند که در تل آویو و حیفا و ... کشتاری درست و حسابی صورت بگیرد. به قول خبرنگار بی بی سی که در عین بی طرفی کامل بیان کرد: "دل شان خنک شد!"

اصطراب روزهای گذشته در لرزش شدید و صدای ترسناک انفجار و مشاهده ستونی از دود و خاک که به آسمان بر میخواست، بخصوص روز 2 تیر از بمبارانها از سر گذارنده بودیم، که شب آخر رسید. هر وقت صدای پهباد یا زوزه جت های جنگنده که پیش از پدافند به گوشمان میرسید که معمولا بعد از بمبارانها شروع به کار میکردند، یک موج از انفجارها را به انتظار می نشستیم. صدای مهیب انفجارها در



## برای نجات زندانیان از چنگ حکومت اسلامی و جنگ افروزیهایش به میدان بیاییم



زندانیان میگویند از وضعیت و مکان نگهداری عزیزانشان خبری در دست نیست.

حکومت اسلامی از ترس سر بلند کردن قدرتمند تر اعتراض بدبنال اعلام آتش بس سرکوبگریهایش را شدت داده است. از جمله حکومت بر شمار اعدامها افزایش داده و با دستگیری های فله ی او گسترده در شهرهای مختلف تحت عنوان "جاسوسی برای اسرائیل" و نیز دستگیری فعالین اجتماعی و احضار فعالین معترض کارگری و اجتماعی و پرونده سازی علیه آنها، می کوشد. فضای اعتراضی جامعه را عقب براند. اما بخش های مختلف جامعه با بیانیه های اعتراضی و اتمام حجت کردن هایشان با این سرکوبگریها مقابله میکنند. از جمله در همین مدت شورای بازنشستگان ایران، دو نهاد اعدام نکنید و دادخواهان، سندیکای شرکت واحد بیانیه داده و با محکوم کردن این سرکوبگریها بر توقف دستگیریها و اعدامها تاکید کرده اند. کارزار قدرتمند برای آزادی زندانیان سیاسی و پایان دادن به اعدام ها یک گام مهم و فوری در شرایط امروز برای پیشروی و به پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ تیر ۱۴۰۴، ۲۹ ژوئن ۲۰۲۵

قبلا گزارش کردیم که دوشنبه ۲ تیر دولت فاشیست اسرائیل زندان اوین را مورد حمله موشکی قرار داد. اکنون طبق گزارشات حکومتی به ادعای اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران در نتیجه این حمله تاکنون ۷۱ تن کشته شده اند. آمار دقیق کشته شدگان هرچه باشد، روشن است که اکثر این کشته شدگان از مسئولین و کادر زندان بوده اند اما گفته میشود که شماری از زندانیان و خانواده های زندانیان نیز در میان آنها وجود دارند. اما حکومت از اعلام اسامی جانباختگان و همچنین زخمی ها خودداری می کند.

«رضا خندان مهابادی»، نویسنده، منتقد و فعال اجتماعی و از اعضای «کانون نویسندگان ایران» در پستی در حساب اینستاگرام خود از کشته شدن «مهرانگیز ایمن پور»، همسر سابقش در اثر حملات اسرائیل به زندان اوین خبر داده است. به گفته کانون نویسندگان ایران محل زندگی مهرانگیز ایمن پور در نزدیکی محل انفجار بوده و به همین دلیل باعث قتل او شده است. به رضا خندان و فرزندانش و خانواده گرامی ایمن پور تسلیت میگوییم.

حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن این جنایت دولت اسرائیل در حمله به زندان اوین بار دیگر اعلام می کند که پایان دادن به مسابقات آدمکشی دو دولت جمهوری اسلامی و اسرائیل که با توجه به سیاستهای جنگ افروزان جمهوری اسلامی، همچنان خطر آن در افق وجود دارد، کار خود ما مردم است. جمهوری اسلامی موظف است اسامی زندانیان و خانواده های جانباخته و همچنین زخمی ها و آسیب دیدگان را علنا اعلام کند.

طبق گزارشات دیگر بدبنال این حمله، جمهوری اسلامی زندانیان را به زندانهای دیگری با شرایط غیر قابل تحمل تر منتقل کرده است. شماری از خانواده های

## جنگی در گرفت؛ انقلاب ...

از صفحه ۸

قوت قلب بدهد که همه چیز تحت کنترل است.

اکنون هیچ درجه ای از سرکوب نمی تواند "اقتدار" را به این حکومت برگرداند. این حکومت بیش از جنگ ۱۲ روزه، جنگ را به ما مردم باخته بود و به مانند الان سعی داشت نشان دهد که جنبشهای اعتراضی را سرکوب کرده است. تسخیر خیابانها توسط زنان بی حجاب، اعتراضات و اعتصابات بی شمار کارگران و بازنشستگان، پرستاران، معلمان و دادخواهان و زندانیان سیاسی و... همگی جلو هایی از شکست این حکومت بوده و هست. این حکومت به "صلح" با ترامپ تن دهد، و تحریمها هم لغو شود، (آخرین پیشنهاد ترامپ) حکومتی نیست که بتواند شرایط متعارف را بر جامعه حاکم کند، هر چند که هیچ وقت هم متعارف نبوده است، بخصوص الان که خطر یک انقلاب زیرورو کننده تهدیدش میکند. حکومت اسلامی در یک شرایط کاملا باخت باخت قرار گرفته است. اگر صلح کند باخته است، اگر قیافه پیروز را به خود بگیرد باز هم باخته است، چون در هر دو حالت تهدید اصلی هنوز به قوت خودش باقی است، خطر سرنگونی با اراده توده مردم یعنی انقلاب.

در این جنگ ۱۲ روزه، سلطنت طلبان به عین به کل جامعه ثابت کردند که ایشان تنها امیدشان اول به بمباران و بعد نیروهای سرکوبگر است که با شاهزاده "پیمان بندند"؛ چپ هپروتی بار دیگر مبارزه ضد صهیونیستی و ضد امریکایی اش عود

کرد، و از هراس "رژیم پنج"، رو به جامعه ای که بدرستی فریاد میزند "دشمن ما همینجاست دروغ میگن امریکاست"، رو به همچین جامعه ای که بیزار از مبارزه ضد امریکای و اسرائیلی است، مبارزه علیه اسرائیل و امریکا علم کرد، و آدرس غلط به جامعه داد و انتظار دارد این چنین جامعه ای رو خوش به آنها نشان دهد.

حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی و مشارکت امریکا و پشتیبانی علنی و ضمنی دول اروپایی، که میخواستند توان هسته ای و موشکی او را از بین ببرند یا ضعیف کنند ناخواسته جمهوری اسلامی را به سمت سقوط کامل سوق دادند. و این بهترین فرصت برای سرنگونی این حکومت است توسط انقلاب است.

برای رفع خطر جنگی از نوع جنگ ۱۲ روزه، که در صورت تکرار اینبار تنها به زیر ساختهای نظامی اکتفا نخواهند کرد و در صورت طولانی شدن شیرازه جامعه را از هم می پاشاند باید هر چه سریعتر جمهوری اسلامی توسط انقلاب سرنگون شود. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی تنها راهی است که توده مردم میتوانند خطر جنگی ویرانگر را از سر جامعه کم کنند. انقلابی که در بطن جامعه در جریان است، اسم دارد، سابقه دارد، و جمهوری اسلامی را به عقب نشینی های معینی واداشته است و جهانی را متوجه خودش ساخته است. انقلاب زن زندگی آزادی. چرا که همه مسائلی که سبب شکل گیری این انقلاب شد به قوت خود باقی است و اکنون تجربه سه سال مبارزه بی وقفه علیه جمهوری اسلامی را با خود دارد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد



بودند، نگران زن و بچه‌هایی که شاید فقط برای رفت‌وآمد روزمره سوار اتوبوس‌های ما می‌شدند. چیزی که در آن روز برای ما عجیب بود، این بود که هرچند آماده‌باش صادر شده بود، اما بیشتر مدیران در محل حضور نداشتند. شرکت در آن لحظات در دست رانندگان و کارگران بود، نه مدیران.

دردناک‌تر این‌که اتوبوس‌ها نه جعبه کمک‌های اولیه داشتند، نه کپسول آتش‌نشانی. وقتی شهری در معرض خطر بمباران است، حداقل انتظار این است که مدیران شرکت، حضور فعال داشته باشند، تجهیزات ایمنی فراهم کنند و در کنار کارکنان بایستند. اما در آن لحظات سخت، نه از مدیرعامل شرکت واحد خبری بود، نه از شهردار تهران. با این وجود، همکارانم ایستادند. نه به خاطر حقوق، بلکه برای مردم. همه ما خانواده داریم، جان داریم. اما وقتی بحران آمد، ما برای حفاظت از جان دیگران ماندیم. اگر اتفاقی بیفتد، چه کسی می‌خواهد به داد مردم برسد؟ ما بودیم، با دستان خالی، اما با قلبی پر از مسئولیت.

#### جمعه ۶ تیر:

- یک موضوع پر سر و صدا در میان رانندگان کامیون که در همین روز های اخیر اعتصابی قدرتمند را داشتند، سخنان وقیحانه فرزانه صادق مالواجرد وزیر راه و شهرسازی در بندر عباس است. او اینبار تحت عنوان تشکر از رانندگان که "در ایام جنگ باری را بر زمین نگذاشتند"، باز هم به وعده و وعیدهای پوچ ادامه داد و این بار جنگ را توجیهی برای جواب ندادن مطالبات رانندگان کامیون عنوان کرد و همه چیز را به "انشاءالله سپرد". اتحادیه تشکل‌های کامیونداران و رانندگان سراسر ایران طی بیانیه‌ای به این سخنان پاسخ داده و از جمله مینویسد: "خانم وزیر! جاده‌ها را با وعده نمی‌شود اداره کرد... ما از شما نمی‌خواهیم وعده بدهید، ما عمل می‌خواهیم. مگر نگفتید تا ۲۴ خرداد، مطالبات ما از جمله بیمه، کرایه عادلانه و سهمیه سوخت حل می‌شود؟ امروز ۶ تیر است، کدام یک از این وعده‌ها عملی شد؟" و ادامه می‌دهند "چرا پس از ۱۱ روز اعتصاب و وعده‌های پشت‌سرهم، هیچ اقدام ملموسی صورت نگرفت؟ کدام قرارداد، کدام بیمه، کدام نرخ کرایه اصلاح شد؟"

#### پنجشنبه ۵ تیر:

- سندیکای کارگران شرکت واحد طی بیانیه‌ای بازداشت و برخوردهای امنیتی با حسین میر بهاری، فعال جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در تاریخ ۳۱ خرداد را به‌شدت محکوم کرد. در بخشی از بیانیه چنین آمده است: "سندیکای کارگران شرکت واحد خواهان آزادی فوری و بی‌قیدوشرط حسین میر بهاری، بازگرداندن وسایل ضبط‌شده، شفاف‌سازی روند بازداشت توسط نهادهای مسئول، و پایان دادن به برخوردهای امنیتی با فعالان اجتماعی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی است."

#### چهارشنبه ۴ تیر:

- حسین میر بهاری یکی از فعالین برجسته و قدیمی دفاع از حقوق کودک و از موسسان «جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان» در سی و یکم خرداد ماه دستگیر شد. به گفته خواهر زاده او از حسین خبری در دست نیست. برادر حسین میر بهاری از دستگیری وی توسط شش نفر لباس شخصی که با یک خودروی پریشای سفید سراغ

## کارگران در هفته‌ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست

#### دوشنبه ۹ تیر:

- ۹ روز از بازداشت حسین میر بهاری فعال دفاع از حقوق کودک گذشت و برادر او ضمن اشاره به بیخبری از وضعیت او مینویسد: "حسین شرایط جسمی خاصی داشت و رژیم غذایی اش باید رعایت می‌شد، اما اکنون از حالش کاملاً بی‌اطلاعیم. بی‌خبری، برای ما شکل دیگری از شکنجه است. نمی‌دانیم این رنج و فشار بر خانواده چه هدفی را دنبال می‌کند... حسین از بنیان‌گذاران «جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان» است؛ نهادی که با تلاش فراوان و با وجود تمام محدودیت‌ها، برای آموزش کودکان بی‌شناسنامه و بازمانده از تحصیل شکل گرفت. هدف او روشن بود: ایجاد فضایی برابر برای کودکان محروم، صرف‌نظر از ملیت و نژاد."

#### یکشنبه ۸ تیر:

بازنشستگان تامین اجتماعی در رشت با فریاد درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید تجمع کردند و مردم را به پوستن به صف اعتراض خود علیه فقر و بی‌تامینی و جنگ آفریزیهای حکومت و بساط سرکوب و جنایتش فرا خواندند. این بازنشستگان هفته قبل نیز تجمع داشتند و اعلام کردند که یکشنبه های اعتراضی تعطیل بردار نیست.

- طبق گزارشات حکومتی به ادعای اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران در نتیجه این حمله تاکنون ۷۱ تن کشته شده‌اند. آمار دقیق کشته شدگان هرچه باشد، روشن است که اکثر این کشته شدگان از مسئولین و کادر زندان بوده‌اند اما گفته میشود که شماری از زندانیان و خانواده‌های زندانیان نیز در میان آنها وجود دارند. اما حکومت از اعلام اسامی جانباختگان و همچنین زخمی‌ها خودداری می‌کند.

«رضا خندان مهابادی»، نویسنده، منتقد و فعال اجتماعی و از اعضای «کانون نویسندگان ایران» در پستی در حساب اینستاگرام خود از کشته شدن «مهرانگیز ایمن‌پور»، همسر سابقش در اثر حملات اسرائیل به زندان اوین خبر داده است. به گفته کانون نویسندگان ایران محل زندگی مهرانگیز ایمن‌پور در نزدیکی محل انفجار بوده و به همین دلیل باعث قتل او شده است. به رضا خندان و فرزندانش و خانواده گرامی ایمن‌پور تسلیت می‌گوییم. حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن این جنایت دولت اسرائیل در حمله به زندان اوین بار دیگر اعلام می‌کند که پایان دادن به مسابقات آدمکشی دو دولت جمهوری اسلامی و اسرائیل که با توجه به سیاستهای جنگ آفریزانه جمهوری اسلامی، همچنان خطر آن در افق وجود دارد، کار خود ما مردم است. جمهوری اسلامی موظف است اسامی زندانیان و خانواده‌های جانباخته و همچنین زخمی‌ها و آسیب دیدگان را علنا اعلام کند.

#### شنبه ۷ تیر:

- یکی از رانندگان شرکت واحد در پیامی به کانال تلگرام سندیکای واحد مینویسد: "من راننده شرکت واحد هستم. یک روز بعد از بمباران شرکت آماده‌باش اعلام کرد و تمامی مرخصی‌ها لغو شد. صبح زود، وقتی به سامانه ۱ رسیدم، بیشتر همکاران آمده بودند. هرکس به سمت اتوبوس خود می‌رفت و به‌طور دقیق، اطراف خودرو را بررسی می‌کرد. همه مراقب بودند. با هم قرار گذاشتیم که اگر جایی در شهر بمباران شد، به هم اطلاع دهیم تا مسافران را پیاده کنیم و آن‌ها را به پناهگاه امنی هدایت نماییم؛ و خودمان هم اتوبوس را به سامانه یا محلی امن منتقل کنیم. همه نگران بودیم: نگران خانواده‌هایمان، نگران مردمی که در کوچه و خیابان

## بیانیه جمعی از فعالان سیاسی و مدنی: توقف فوری اعدام‌ها و آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی در ایران

بیانیه همچنین به وضعیت نامعلوم بسیاری از زندانیان سیاسی اشاره می‌کند که خانواده‌هایشان از سرنوشت و محل نگهداری آن‌ها بی‌خبر هستند.

بر اساس این گزارش، زندانیان بندهای عمومی زندان اوین به زندان‌هایی در اطراف تهران منتقل شده‌اند و در شرایط دشوار و غیرانسانی نگهداری می‌شوند؛ در حالی که هیچ اطلاع‌رسانی رسمی درباره وضعیت زندانیانی که در بندهای امنیتی یا سلول‌های انفرادی بوده‌اند، منتشر نشده است.

امضاکنندگان این بیانیه، با ابراز نگرانی عمیق نسبت به وضعیت مبهم، ناعادلانه و غیرانسانی زندانیان سیاسی و عقیدتی، خواستار توقف فوری اعدام‌ها، پایان دادن به رویکردهای امنیتی و آزادی بی‌قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی در سراسر کشور شده‌اند. اسامی امضاکنندگان این بیانیه عبارت است از: ارس امیری، مهناز پراکنده، جعفر پناهی، ناهید تقوی، محمد حبیبی، آتنا دائمی، ویدا ربانی، محمد رسول‌اف، امیر رئیسیان، نازنین زاغری، عبدالفتاح سلطانی، محمد سیف‌زاده، عطاالله شیرازی، شیرین عبادی، محمد کریم‌بیگی (پدر مصطفی کریم‌بیگی)، مریم کلارن، نرگس محمدی، فاطمه ملکی (همسر محمد نوری‌زاد)، اکرم نقابی (مادر سعید زینالی)، پوران ناظمی و فرزانه ناظران‌پور.

گروهی از کنشگران، هنرمندان، و فعالان حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای مشترک نسبت به تشدید سرکوب‌ها، بازداشت‌های گسترده و شرایط نامعلوم زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران هشدار دادند و خواستار توقف فوری اعدام‌ها و آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی شدند.

در این بیانیه تأکید شده است که حکومت‌های استبدادی در شرایط جنگی یا بحران‌های خارجی، غالباً سرکوب مردم خود را تشدید می‌کنند و جنگ‌ها همواره ویرانی و نقض حقوق بشر را به دنبال دارند.

امضاکنندگان، حمله اخیر اسرائیل به زندان اوین را که در روز روشن و در حضور خانواده‌ها و مراجعان انجام شده است، محکوم کردند و در عین حال نسبت به موج تازه و گسترده بازداشت شهروندان در ایران ابراز نگرانی کرده‌اند.

به گفته این بیانیه، بسیاری از این بازداشت‌ها بدون رعایت اصول قانونی و بدون ارائه دلیل یا مدارک مشخص صورت می‌گیرد و اتهام رایج علیه بازداشت‌شدگان «جاسوسی» (عنوان می‌شود؛ در حالی که شواهد تاریخی و حتی اعترافات برخی مقام‌های پیشین و فعلی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که نفوذ اطلاعاتی بیگانگان بیشتر در لایه‌های قدرت متمرکز بوده تا میان مردم عادی).

### کارگرن در هفته ای که گذشت...

وی آمده بودند، در منزل خبر داده است. .

سه شنبه ۳ تیر:

- کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" وارد هفتاد و چهارمین هفته خود شد و ۴۷ زندان مختلف در آن شرکت داشتند. بیانیه هفتگی این کارزار در محکومیت حمله به مراکز غیرنظامی و زندان‌ها و تشدید سرکوب در سایه جنگ منتشر شده است. این بیانیه با اشاره به حمله اسرائیل به زندان اوین و با اشاره به اینکه از میزان خسارات و تلفات جانی آن اطلاعی در دست نیست، بر آسیب بندهای عمومی زندان شامل بندهای زنان، ۴ و ۷ و ۸ و از محاصره زندانیان بندهای عمومی بدون آب و غذا و وضعیت بسیار وحشتناک آنان و فشار به زندانیان توسط رئیس زندان و عوامل سرکوبگر جهت انتقال فوری آنان به زندان تهران بزرگ خبر داده است. همچنین بیانیه از انتقال زندانیان سیاسی توسط نیروهای امنیتی از بند امنیتی ۲۰۹ متعلق به وزارت اطلاعات و بند دو الف متعلق به اطلاعات سپاه به مکان نامعلومی و زخمی شدن تعدادی از زندانیان در بند زنان و بندهای ۷ و ۸ و ۴ گزارش می‌دهد. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "ما نگرانی عمیق خود را از وضعیت زندانیان محبوس در زندان‌ها به خصوص در زندان اوین و محکومان به اعدام که معلوم نیست در چه وضعیتی بوده و به کجا منتقل خواهند شد اعلام می‌کنیم. ما جابجایی اجباری زندانیان بی‌دفاع و تحت

تدابیر امنیتی و سرکوبگرانه و به صورت ناگهانی را به شدت محکوم می‌کنیم. با توجه به وضعیت جنگی، جان زندانیان در خطر جدی است و از مردم عزیز و شریف می‌خواهیم که به هر وسیله ممکن خواستار آزادی زندانیان شوند. به خصوص با تجمع مقابل زندان‌ها زندانیان را در این شرایط خطیر تنها نگذارند."

- خانواده زندانی سیاسی وحید بنی عامریان که در خطر اعدام است، با گرفتن فیلمی از خود و انتشار آن در شبکه‌های اجتماعی خواهان آزادی فرزندشان و دیگر زندانیان سیاسی شدند. آنها در این فیلم اعتراضی می‌گویند: "فرزندمان ما را آزاد کنید"، "بچه‌های ما را آزاد کنید"، "زندانیان را آزاد کنید"، "نه به اعدام"

دوشنبه ۲ تیر:

- سندیکای شرکت واحد نیز در بیانیه‌ای تحت عنوان "در محکومیت بمباران زندان اوین و مطالبه اجرای قانون آزادی زندانیان در شرایط جنگی" بر آزادی کلیه زندانیان سیاسی، مدنی، صنفی، عقیدتی و عادی، و لغو احکام ظالمانه‌ی اعدام علیه فعالان سیاسی و مدنی؛ ت تأکید کرده است. در جمله پایانی این بیانیه چنین آمده است "تداوم سیاستهای جنگ‌افروزان امنیت عمومی، زندگی مردم و بقای جامعه‌ی مدنی را به خطر انداخته و باید بی‌درنگ متوقف شوند."

- کارگران کارخانه فولاد سیادن ابهر با ابراز اعتراض نسبت به عدم پرداخت حقوق ماه‌های اردیبهشت و خرداد، خواهان پرداخت فوری مطالباتشان شدند.

ترکمن عالم  
(جهت یاهست)  
فرکانس ۱۰۸۴۵  
عمودی ۲۷۵۰۰  
اف ای سی ۲/۳

یوتل‌ست  
فرکانس ۱۱۳۸۷  
افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون  
کانال جدید

KANAL جدید  
کانال جدید



با دولت متخاصم و تبلیغ علیه نظام خبر داد. توقف دستگیریها، آزادی تمامی زندانیان سیاسی و توقف اعدام موضوع فوری اعتراضی مردم است. حکومت در جنگ شکست سختی خورده و بشدت تضعیف شده است. و در هراس از سربلند کردن خشم مردم دستگیریها را شدت داده است. با اعتراضات گسترده خود با این سرکوبگریها مقابله کنیم و فرصت نفس کشیدن به حکومت ندهیم. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. هر دستگیری را به وسیله ای برای اعتراض به حکومت اسلامی تبدیل کنیم و نگذاریم در سایه این آتش بس دولتهای جهان چشم بر جنایات رژیم بینند. صحنه مبارزه با رژیم داغ و پر جوش و خروش است. بر آتش این مبارزه بدمیم.

#### سه‌شنبه ۳ تیر:

در کنار همه مصائب تحمیلی به جامعه توسط جمهوری اسلامی مشکلات زیست محیطی و گرمای کشنده و بی‌تامینی مطلق از مردم قربانی میگیرد. اداره کل هواشناسی استان خوزستان هشدار به افزایش بیشتر گرما داده و براساس هشدار سطح قرمز از روز جمعه ششم تیرماه توده هوای گرم شکل خواهد گرفت که تا روز دوشنبه ۹ تیرماه ادامه خواهد داشت. بر اساس این پیش بینی گرمادگی، افزایش مصرف حامل‌های انرژی، احتمال آتش‌سوزی در مراعات و مزارع و احتمال خسارت ناشی از تش دمایی در بخش‌های کشاورزی و دامداری در انتظار مردم خواهد بود.

#### دوشنبه ۲ تیر:

طبق گزارشات در این روز ماموران موتورسوار حکومت از ترس اعتراض مردم به جنگی که زندگی و معیشتشان را به نابودی بیشتر کشانده در خیابان‌های اهواز حضور پررنگی داشتند. طبق خبرهای در این روز و روزهای قبل آن در ادامه فضای امنیتی و سرکوب گسترده پس از حملات اسرائیل به خاک ایران، در اهواز، ده‌ها نفر از مردم توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر شدند.

بنا بر گزارشات وضعیت وضعیت جسمانی امان جلالی‌نژاد، معلم زندانی در زندان شیپان اهواز وخیم است. خانواده او پس از ملاقات وی اعلام کردند که پای وی از زانو به پایین به‌شدت سیاه و کیود شده و نشانه‌ای نگران‌کننده اس از احتمال نکرورز بافتی و آسیب‌دیدگی جدی پزشکی دیده میشود. با وجود شرایط بحرانی سلامتی امان جلالی‌نژاد مسئولان زندان از انتقال او به مراکز پزشکی خودداری کرده‌اند. مسئولیت مستقیم هرگونه آسیب یا خطر جانی متوجه امان جلالی‌نژاد، برعهده مسئولان زندان شیپان و دستگاه قضایی جمهوری اسلامی است؛ سیستمی که با محروم کردن زندانیان از خدمات درمانی، جان آن‌ها را به خطر می‌اندازد.

#### یکشنبه ۱ تیر:

به نوشته رسانه‌های حکومتی، امروز یکشنبه، یکم تیرماه، تأسیسات شرکت نفت خوزستان، شرکت نفت اهواز و بخش غرب کارون در استان خوزستان هدف حملات هوایی ارتش اسرائیل قرار گرفته‌اند. صدمات وارده به محیط‌های کار بهانه

## از خوزستان خبر میرسد؟

۳۰ خرداد تا ۶ تیر ۱۴۰۴



کمیته سازمانده - واحد خوزستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

#### جمعه ۶ تیر:

طبق گزارشات در این روز سامانه‌های پدافند هوایی تیپ ۹۲ زرهی در شهر اهواز برای دومین بار اقدام به تیراندازی کردند. بنا بر خبر تا این روز دست‌کم سه انفجار در مناطق مختلف این شهر شنیده شده که همزمان با فعالیت‌های پدافندی رخ داده‌اند. شدت این انفجارها به حدی بوده که در برخی مناطق باعث قطع موقت برق شده است. این فضای جنگی امنیت شدیداً مردم را نگران کرده و امنیت مردم را به خطر انداخته است.

#### پنجشنبه ۵ تیر:

نیمه‌شب این روز در حالی که هنوز ۲۴ ساعت از شروع آتش‌بس بین اسرائیل و ایران نگذشته بود، در شهرهای اهواز، و برخی نقاط دیگر کشور صدای پدافند هوایی شنیده شد. مردم در بیانیه هایشان جنگ افروزی‌های حکومت را محکوم کرده و تأکیدشان بر پایان دادن به جنگ و ناامنی توسط خود مردم است. راه‌هایی از جنگ و بی‌تامینی و ناامنی سرنگونی جمهوری اسلامی است.

#### چهارشنبه ۴ تیر:

در شامگاه چهارشنبه، ۴ تیرماه ۱۴۰۴، رضا حمیدادی، جوان ۲۱ ساله عرب و از اهالی شهر ابادان، بر اثر اصابت گلوله نیروهای بسیج به ناحیه سر، جان خود را از دست داد. این حادثه تلخ زمانی رخ داد که او ایست بازرسی نیروهای بسیج را نشیده و به آن توجهی نکرد.

در این روز صدای انفجاری در شهر دزفول در فضا پیچید. مردم که نگران اوضاع بودند همه در مورد آن سخن می‌گفتند. فرمانداری ویژه دزفول برای آرام نگاهداشتن فضا و پنهان کردن موضوع، اعلام داشت: "صدایی که شهروندان شنیدند مربوط به عملیات انهدام مهمات فرسوده جنگی بوده و هیچگونه خسارت یا تلفانی در پی نداشته است.

به گزارش خبرگزاری‌های حکومتی از اهواز، امیر خلیفیان، دادستان اهواز، از صدور کیفرخواست در سریع‌ترین زمان ممکن برای ۲۳ نفر از شهروندان به اتهام همکاری





منابع سپاه از بازداشت ۷۰۰ نفر طی ۱۲ روز گذشته به ظن همکاری با اسرائیل خبر دادند

## جلو دستگیری و اعدام به اتهام همکاری با اسرائیل را باید با قاطعیت گرفت

جرم نیست. برعکس جرم و جنایت، همکاری با حکومت سرکوبگر و فاسد اسلامی و جاسوسی و مزدوری برای ارگان‌های سرکوب و امنیتی حکومت است که حتی در شرایط جنگی کنونی نیز به کنترل مردم و شناسایی و

دستگیری فعالین اجتماعی به بهانه‌های مختلف مشغول هستند و تعدادی از فعالین سیاسی را در روزهای گذشته دستگیر کرده‌اند. رژیم می‌داند که خطر اصلی برای سرنگونی همین مردمند و دشمنی اصلی‌اش با همین مردم است.

کلیه دستگیرشدگان به اتهام همکاری یا جاسوسی برای اسرائیل و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی باید فوراً و بی‌قید و شرط آزاد شوند. احکام اعدام آنان و سایر احکام اعدام باید متوقف شود. ما همه مردم را به مقابله با سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت و دستگیری‌ها و اعدام‌ها فرامی‌خوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ تیرماه ۱۴۰۴، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵

جمهوری اسلامی ۴۶ سال است به بهانه‌های مختلف جوخه‌های سرکوب و اعدامش را علیه مردم فعال نگه داشته است. این روزها حکومت به بهانه همکاری و یا جاسوسی برای اسرائیل و یا حتی خبررسانی در مورد ضربات اسرائیل به جمهوری اسلامی تعداد قابل توجهی را در نقاط مختلف کشور دستگیر کرده و تا کنون حداقل دو نفر را به این اتهام اعدام و هشت نفر را به اعدام محکوم کرده است. اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی خواهان رسیدگی فوق‌العاده سریع به این پرونده‌ها توسط دادستان کل کشور و دادستان‌های استانی شده و شورای عالی امنیت ملی نیز اعلام کرده است که اقدامات در حمایت از اسرائیل با پاسخی قاطع و مجازات سنگین از جمله اعدام مواجه خواهد شد.

همه می‌دانند که این تنها بهانه‌ای برای سرکوب است. جمهوری اسلامی ضربات مهلکی خورده و در در اوج استیصال دست و پا می‌زند و با توسل به دستگیری و انگ جاسوسی زدن به افراد می‌خواهد شکست‌های خود را جبران نماید و مانع تحرک مردم شود. باید با تمام قوا در مقابل این جنایت و سرکوبگری ایستاد.

اولاً اعدام به هر بهانه جنایت است و باید فوراً متوقف شود. ثانیاً قبل از هر کس این فرماندهان و مسئولانی در سطوح بالای جمهوری اسلامی هستند که با اسرائیل همکاری می‌کنند و اطلاعات دقیق از سری‌ترین مسائل نظامی حکومت را به اسرائیل می‌فروشند. ثالثاً از نظر مردم متمدن، فعالیت علیه حکومت جنایتکار و سرکوبگر

## از خوزستان خبر میرسد:...

از صفحه ۱۲

اخبار ایجاد گروه‌های همیاری و امداد رسانی است. خبردار شدیم که در شهرهای ساکنین آنها با استقبالی گرم مردمی را که از تهران و مراکز خطر به آنجا پناه برده‌اند، اسکان میدهند و از آنها پذیرایی می‌کنند.

راه حل فوری برای قطع جنگ دست کشیدن حکومت از پروژه هسته‌ای، برنامه‌های موشکی، و تبلیغات جنگ افروزان است و این را باید در اعتراضات گسترده خود فریاد بزنیم.

بنا بر گزارشات در این روز پادگان گلف سپاه اهواز که با نام «قرارگاه کربلا» یا «پایگاه منتظران شهادت» شناخته می‌شود مورد هدف اسرائیل قرار گرفت.

- بنا بر گزارشات در هفت روز نخست از درگیری‌های نظامی میان اسرائیل و ایران، دست‌کم ۶۵۷ تن کشته و ۲۰۳۷ نفر مجروح شدند. ۲۱ استان کشور هدف حمله قرار گرفتند. بیش از هزار هدف نظامی و زیرساختی بمباران شدند و دست‌کم ۲۰۶ نفر به اتهام فعالیت مجازی بازداشت شدند. پایان دادن به این آدمکشی کار ما مردم است. جنگ را بر سر جمهوری اسلامی خراب کنیم.

- خبرهای این روز از اختلال در سیستم توزیع و حمل‌ونقل، ارسال بار به مغازه‌ها و فروشگاه‌های خواروبار در نقاط بسیاری از کشور از جمله در اهواز حکایت می‌کند. جنگ بر گرانی اجناس و نایابی نیازهای فوری مردم شدت داد.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری  
۶ تیر ۱۴۰۴ / ۲۸ ژوئن ۲۰۲۵

ای شده برای کارفرمایان چپاولگر که از پرداخت مزد کارگران سر باز بزنند. کارگران جنگ افروزی‌های حکومت را مسبب این اوضاع میدانند. کارگران می‌گویند: بین ما و حکومت هیچ گونه آتش بسی وجود ندارد. ما مطالبه‌گریم.

### شنبه ۳۱ خرداد:

- طبق گزارشات در این روز شهر اهواز «چند بار مورد حمله اسرائیل قرار گرفت». شدت این انفجارات باعث شکسته شدن پنجره بعضی خانه‌ها شده و ده‌ها نفر از مردم مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. جمهوری اسلامی با سیاست‌های جنگ افروزان خود جان و زندگی و معیشت مردم را به خطر انداخته است.

### جمعه ۳۰ خرداد:

- اخبار خوزستان همانند اخبار دیگر شهرها اخبار جنگ است. اخبار قربانی شدن جان و زندگی مردم در نتیجه جنگ افروزی‌های حکومت است. حکومتی که با رجزخوانی هایش و پافشاری بر غنی‌سازی اورانیوم جان مردم را سپر قرار داده است. برای نمونه همین روزها بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان اتمی، از افزایش چشمگیر غنی‌سازی در پی قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و به زودی راه اندازی شدن مجتمع سوم غنی‌سازی و از ارتقای ماشین‌های نسل اول غنی‌سازی به نسل ششم آن خبر داد.

اخبار خوزستان در عین حال اخبار همیاری و همبستگی‌های اجتماعی است.

# حکومت جنگ افروز نابود باید گردد!

## هفتاد و چهارمین هفته "سه شنبه های نه به اعدام" در فضای ملتهب کنونی

امروز ۳ تیر کارزار "سه شنبه های نه به اعدام" وارد هفتاد و چهارمین هفته خود شد و ۴۷ زندان مختلف در آن شرکت داشتند. بیانیه هفتگی این کارزار در محکومیت حمله به مراکز غیرنظامی و زندان ها و تشدید سرکوب در سایه جنگ منتشر شده است.

این بیانیه با اشاره به حمله اسرائیل به زندان اوین و با اشاره به اینکه از میزان خسارات و تلفات جانی آن اطلاعی در دست نیست، بر آسیب بندهای عمومی زندان شامل بندهای زنان، ۴ و ۷ و ۸ و از محاصره زندانیان بندهای عمومی بدون آب و غذا و وضعیت بسیار وحشتناک آنان و فشار به زندانیان توسط رئیس زندان و عوامل سرکوبگر جهت انتقال فوری آنان به زندان تهران بزرگ خبر داده است. همچنین بیانیه از انتقال زندانیان سیاسی توسط نیروهای امنیتی از بند امنیتی ۲۰۹ متعلق به وزارت اطلاعات و بند دو الف متعلق به اطلاعات سپاه به مکان نامعلومی و زخمی شدن تعدادی از زندانیان در بند زنان و بندهای ۷ و ۸ و ۴ گزارش میدهد.

در ادامه این بیانیه با اشاره به تداوم اعدامها در روزهای اخیر و علی رغم شرایط بحرانی و جنگ، حمله به مراکز غیرنظامی از جمله بیمارستان ها و زندان ها را محکوم کرده و بر آزادی کلیه زندانیان از جمله زندانیان سیاسی و عقیدتی تأکید میکند و در بخشی از آن چنین آمده است: "ما نگرانی عمیق خود را از وضعیت زندانیان محبوس در زندان ها به خصوص در زندان اوین و محکومان به اعدام که معلوم نیست در چه وضعیتی بوده و به کجا منتقل خواهند شد اعلام می کنیم. ما جابجایی اجباری زندانیان بی دفاع و تحت تدابیر امنیتی و سرکوبگرانه و به صورت ناگهانی را به شدت محکوم می کنیم. با توجه به وضعیت جنگی، جان زندانیان در خطر جدی است و از مردم عزیز و شریف می خواهیم که به هر وسیله ممکن خواستار آزادی زندانیان شوند. به خصوص با تجمع مقابل زندان ها زندانیان را در این شرایط خطرناک نگذارند."

امروز همچنین خانواده زندانی سیاسی وحید بنی عامریان با گرفتن فیلمی از خود و انتشار آن در شبکه های اجتماعی خواهان آزادی فرزندشان و دیگر زندانیان سیاسی شدند. آنها در این فیلم اعتراضی می گویند: "فرزندمان ما را آزاد کنید"، "بچه های ما را آزاد کنید"، "زندانیان را آزاد کنید"، "نه به اعدام"

حمله به زندان اوین و اتفاقات هفته اخیر در زندانها موجب نگرانی خانواده ها و همه مردم شده است. بیانیه های بسیاری در محکومیت تشدید سرکوبگری های حکومت و خطر جدی جنگ برای زندانیان انتشار یافته است. از جمله دو نهاد "دادخواهان" و "اعدام نکنید" در بیانیه ای به مناسبت ۳۰ خرداد روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی می نویسند "اجازه ندهیم شرایط جنگی مبارزه ما برای آزادی آنها را تحت الشعاع قرار دهد.

امسال در روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی با صدای متحد از همه نهادهای مدافع انسان و حقوق بشر و تشکلهای می خواهیم با قدرت هر چه افروتر خواهان آزادی زندانیان سیاسی باشیم! جان زندانیان سیاسی در خطر است!".

سندیکای شرکت واحد نیز در بیانیه ای تحت عنوان "در محکومیت بمباران زندان اوین و مطالبه اجرای قانون آزادی زندانیان در شرایط جنگی" بر آزادی



## تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در رشت و اولتیماتوم رانندگان کامیون به اعتراض

روز هشتم تیرماه بازنشستگان تامین اجتماعی در رشت با فریاد درد ما درد شماسست مردم به ما ملحق شوید تجمع کردند و مردم را به پیوستن به صف اعتراض خود علیه فقر و بی تأمینی و جنگ آفریزیهای حکومت و بساط سرکوب و جنایتش فرا خواندند. این بازنشستگان هفته قبل نیز تجمع داشتند و اعلام کردند که یکشنبه های اعتراضی تعطیل بردار نیست.

بازنشستگان رشت با این حرکت اعتراضی خود زنگ شروع دور جدید و گسترده ای از اعتراضات بازنشستگان و بخش های مختلف مردم را به صدا در آوردند. مردم در گفتمان های خود میگویند: دو دولت فاشیست جمهوری اسلامی و اسرائیل آتش بس کردند اما با توجه به سیاستهای جنگ آفریزانه جمهوری اسلامی، خطر جنگهای بعدی در افق وجود دارد. بازنشستگان در رسانه های اجتماعی کرده اند که جنگ ما بر سر زندگی و معیشتمان با حکومت آتش بس ندارد.

یک موضوع پر سر و صدا در میان رانندگان کامیون که در همین روز های اخیر اعتصابی قدرتمند را داشتند، سخنان وقیحانه فرزانه صادق مالواجرد وزیر راه و شهرسازی در بندر عباس است. او اینبار تحت عنوان تشکر از رانندگان که "در ایام جنگ باری را بر زمین نگذاشتند"، باز هم به وعده و وعیدهای پوچ ادامه داد و این بار جنگ را توجیهی برای جواب ندادن مطالبات رانندگان کامیون عنوان کرد و همه چیز را به "انشاءالله سپرد". اتحادیه تشکل های کامیونداران و رانندگان سراسر ایران طی بیانیه ای به این سخنان پاسخ داده و از جمله مینویسد: "خانم وزیر! جاده ها را با وعده نمی شود اداره کرد... ما از شما نمی خواهیم وعده بدهید، ما عمل می خواهیم. مگر نگفتید تا ۲۴ خرداد، مطالبات ما از جمله بیمه، کرایه عادلانه و سهمیه سوخت حل می شود؟ امروز ۶ تیر است، کدام یک از این وعده ها عملی شد؟" و ادامه می دهند "چرا پس از ۱۱ روز اعتصاب و وعده های پشت سرهم، هیچ اقدام ملموسی صورت نگرفت؟ کدام قرارداد، کدام بیمه، کدام نرخ کرایه اصلاح شد؟"

فضای خشم و اعتراض در میان رانندگان کامیون و بازنشستگان و بخشهای مختلف مردم بسیار گسترده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ تیر ۱۴۰۴، ۲۹ ژوئن ۲۰۲۵

کلیه زندانیان سیاسی، مدنی، صنفی، عقیدتی و عادی، و لغو احکام ظالمانه ای اعدام علیه فعالان سیاسی و مدنی؛ ت اکید کرده است. در جمله پایانی این بیانیه چنین آمده است "تداوم سیاستهای جنگ آفریزانه امنیت عمومی، زندگی مردم و بقای جامعه ای مدنی را به خطر انداخته و باید بی درنگ متوقف شوند". حزب کمونیست کارگری با درود به اعضای کارزار سه شنبه های نه به اعدام و همراه با خانواده ها و همه نهاد و تشکلهای آزادیخواه بر آزادی فوری زندانیان و لغو فوری مجازات اعدام تأکید میکند.

در حالی که حکومت اسلامی طی دوازده روز جنگ ضربات مهلکی متحمل شده و تسلیم آتش بس شده است، با گسترش اعتراضاتمان این حکومت ورشکسته را به زانو در آوریم

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ تیر ۱۴۰۴، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵



چه شرایطی نگهداری می‌شود. چرا بازداشت شده؟ چرا اجازه تماس با خانواده‌اش را ندارد؟ چرا حتی اجازه اطلاع‌رسانی درباره‌ی وضعیت دارویی‌اش داده نمی‌شود — در حالی که می‌دانیم بدون دارو، سلامتی‌اش به شدت در معرض خطر است؟ از همه‌ی کسانی که صدای ما را می‌شنوند، تقاضا داریم سکوت نکنند. سکوت، این بی‌عدالتی‌ها را تداوم می‌بخشد.

حسین میربهاری در وضعیت جسمانی بدی قرار دارد. او در سنین بالاست و باید بطور روتین دارو مصرف کند. بازداشت و نگهداری وی در زندان برای او خطر جانی دارد. حسین میربهاری باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی - ۴ تیر ۱۴۰۴، ۲۵ ژوئن ۲۰۲۵

## از حسین میربهاری فعال حقوق کودک خبری در دست نیست

همانطور که قبلاً گزارش کردیم حسین میربهاری یکی از فعالین برجسته و قدیمی دفاع از حقوق کودک و از موسسان «جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان» در سی و یکم خرداد ماه دستگیر شده است. به گفته‌ی خواهر زاده او از حسین خبری در دست نیست. برادر حسین میربهاری از دستگیری وی توسط شش نفر لباس شخصی که با یک خودروی پرشای سفید سراغ وی آمده بودند، در منزل خبر داده است.

خواهر زاده حسین میربهاری بعد از ۴۸ ساعت بیخبری از وی مینویسد "نه خبری از دلیل بازداشت داریم و نه از محل نگهداری‌اش. تنها چیزی که می‌دانیم، تعهد همیشگی حسین به ساختن دنیایی بهتر برای کودکان است — دنیایی عاری از خشونت، که کودکان در آن آزاد و شاد زندگی کنند.

ما، خانواده‌ی حسین، بارها به نهادهای مختلف مراجعه کرده‌ایم. در دادسرای انقلاب پردیس به ما گفتند او به تهران منتقل شده، اما مشخص نکردند کجا. یکی از دوستانمان برای پیگیری به اطلاعات اوین مراجعه کرد، اما پس از تلاش فراوان، تنها این پاسخ را شنید که حسین در اطلاعات اوین نیست و توسط اطلاعات سپاه بازداشت شده است. متأسفانه همان دوستمان، در جریان حمله‌ی اخیر اسرائیل به نزدیکی اوین، از ناحیه‌ی سر به شدت آسیب دید و اکنون از وضعیت او نیز خبری نداریم. در حالی که جان بسیاری در خطر است، ما همچنان نمی‌دانیم عزیزمان در

## درباره مصوبه جدید مجلس اسلامی؛ به حکومت درمانده و شکست خورده اجازه ندهیم از مردم انتقام بگیرد!



می‌کند که آیا اساساً رژیم در موقعیتی قرار دارد که دست به چنین سرکوب گسترده‌ای علیه مردم زند؟

طبعاً ارائه پاسخ قطعی به این سوال امکان‌پذیر نیست؛ اما موقعیت فلاکت‌زده حکومت شکست خورده در جنگ، از هم‌گسیختگی ساختارهای سیاسی، امنیتی و نظامی حکومت، و از همه مهم‌تر استیصال رژیم در مهار و به عقب راندن پیشروی‌های مردم معترض در سالیان گذشته، و مهمترین فاکتور

نقش اعتراضی مردم به‌صورت سراسری در برابر جمهوری اسلامی، توانایی حکومت در اجرای چنین قوانین سرکوب‌آمیزی را با تردیدهای جدی مواجه می‌کند.

اما تصویب طرح جدید "تشدید مجازات جاسوسان و همکاری‌کنندگان با اسرائیل"، حتی اگر صرفاً یک ژست سیاسی برای ارباب جامعه باشد، باید در نطفه خفه شود و با تکیه بر اعتراضات گسترده مردم در داخل و خارج کشور، پاسخی درخور، قدرتمند و سراسری دریافت کند. با همبستگی، اتحاد و پیشبرد اقدامات اعتراضی وسیع نباید اجازه دهیم که سرسوزنی از این قانون اجرا شود.

باید همچون قانون «عفاف و حجاب» جمهوری اسلامی را وادار کنیم که پیش از اجرایی کردن این طرح، صدمبار به عواقب سیاسی آن و تعرض سراسری مردم فکر کند و مطمئن شود که تلاش برای «انتقام سخت» از مردم، تنها به تسریع روند سرنگونی رژیم اسلامی منجر می‌شود.

سازمان جوانان کمونیست، ۸ تیر ۱۴۰۴، ۲۹ ژوئن ۲۰۲۵

شکست مفتضحانه و تحقیر جمهوری اسلامی و خامنه‌ای در جنگ با اسرائیل، بار دیگر نشانه‌هایی از تلاش حکومت برای گرفتن «انتقام سخت» از مردم را بروز داده است؛ به گونه‌ای که قرار است ابعاد سرکوب در داخل کشور به قدری افزایش یابد تا مردم معترض، شکست حکومت در جنگ را به سرنگونی انقلابی آن گره زنند.

در این راستا و به موازات افزایش بازداشت‌ها، احضارها، اعدام‌ها، ایست‌های بازرسی و تهدیدات رسانه‌ای پس از آتش‌بس، مجلس اسلامی به تازگی طرحی جدید را به تصویب رسانده که بر مبنای آن صدور احکام اعدام و زندان برای شهروندان ابعادی تازه و گسترده‌تر یافته است.

بر اساس این قانون که جزئیات آن در چارچوب طرح "تشدید مجازات جاسوسان و همکاری‌کنندگان با اسرائیل" منتشر شده، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها و اقدامات شهروندان که پیشتر حتی در موازین جمهوری اسلامی به زحمت جزء موارد امنیتی در نظر گرفته می‌شد، اکنون به "افساد فی الارض" ارتقا یافته و مجازات‌های اعدام و حبس‌های سنگین برای آنها تنظیم شده است.

در واقع، این طرح جدید جهت‌گیری جمهوری اسلامی برای تعرضی آشکارتر و وحشیانه‌تر به مردم و بستری است برای اعمال قانونی جنایت علیه مردم، با اسم رمز «مبارزه با نفوذ دشمن و دفاع از امنیت ملی».

آنچه پیش از هر چیز به عنوان منشا و علت اتخاذ چنین مصوبه‌ای به چشم می‌خورد، جز این نیست: وضعیت و موقعیت متلاشی‌شده حکومت، چه در برابر مردمی که مترصد و در کمین برای حمله نهایی به این حکومت نشسته‌اند، چه در سطح داخلی در میان نیروهایش و ترس از ریزش سونامی‌وار آنها؛ و همچنین احتمال وقوع خیزش سراسری مردم و وارد کردن ضربه نهایی به رژیم.

با این وجود، انتشار شتاب‌زده جزئیات این قانون در رسانه‌ها، پروپاگاندا عظیم حکومتی حول آن و خط و نشان کشیدن‌های پیاپی برای مردم، این پرسش را طرح



## بیانیه شورای بازنشستگان ایران: برای حفظ جان و سلامت زندانیان یکصدا هستیم!

حفظ جان همه زندانیان برعهده حکومتی است که زندان را ساخته و "سیاسی و غیر سیاسی" را در شرایط فاجعه باری قرار داده است. زندان‌ها از منفورترین مکان‌های ساخته شده توسط نظام‌های طبقاتی صاحبان قدرت و ثروت در تاریخ هستند. قطعاً جایی که فقر و تبعیض و سرکوب نباشد، متهمی (به زعم حکومتها) هم وجود ندارد و در نتیجه زندانی هم وجود نخواهد داشت. اما متأسفانه "اوین" این روزها به شیوه دیگری برایمان مهم و در مرکز توجه و نگرانی قرار گرفته است. زندانیان سیاسی در اوین و دیگر زندان‌ها، سالیان متمادی با مبارزات درخشان‌شان نشان دادند که همیشه در کنار مردم بوده اند. زندان اوین سمبل تاریخ مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران از دوران شاه تا کنون بوده و بویژه در دهه ۶۰ و همه سالهای پس از آن و در همه مقاطع برآمد جنبشهای اعتراضی در سالهای ۸۸، دیمه ۹۶، آبان ۹۸ و جنبش انقلابی زن، زندگی آزادی، در سه شنبه‌های نه به اعدام و اعتراضات و تجمعات خیابانی مختلف در کنار مردم و همصدا با آنان بوده اند. طبق قوانین موجود، قوه قضائیه حکومت مسئول حفظ و مراقبت از جان و سلامت زندانیان در هر شرایطی بدون استثناء و بدون قید و شرط است. با شروع جنگ هشدارهای مکرر فعالین و شخصیت‌های حقوقی چه در بیرون و چه از درون زندان برای صیانت از جان زندانیان به مسولین حکومت داده شده بود و راهکارهای قانونی و اجرایی همچون آزادی مشروط و آزادی بصورت موقت یا مرخصی با ضمانت و حتی استفاده از پابندهای الکترونیکی برای مصون نگهداشتن زندانیان ارائه شده بود اما حکومت اعتنائی نکرد و بی توجه به این هشدارها و بی توجه به وظیفه و مسئولیتی که دارد آنها را در مقابل حمله نظامی دولت فاشیستی اسرائیل، بیدفاع در اسارت نگهداشت. میتوان تصور کرد که بمبهای ریخته شده اگر تنها به

درب ورودی زندان و نگهبانی و سالن ملاقات کنار آن و به دادرسی اوین اصابت نمی‌کرد و بر سر سالن‌ها یا بندهای زندانیان هم فرو نمی‌ریخت چه فاجعه‌ی هولناکتری اتفاق می‌افتاد. در حالیکه شیخ همه روزه جنگ و بمباران بر آسمان تهران می‌چرخید چرا برای حفظ و صیانت از زندانیان که توانائی مراقبت از جان خود را ندارند، اقدامی نشد؟! افکار عمومی پاسخ می‌خواهد!

بعد از بروز این فاجعه انسانی قابل پیش بینی، انتقال زندانیان به زندانهایی که از حداقل امکانات محرومند و یا بیخبری از سلامت بسیاری از آنان، روی دیگری از بی توجهی ست و جامعه را بشدت نگران کرده است. جدا از مطالبه‌ی پاسخگوئی قوه قضائیه در مقابل قصور و بی توجهی به وظیفه اش در حفظ و مراقبت از جان و سلامت زندانیان در چنین شرایطی، مطالبات فوری زیر ضروریست:

الف- اطلاع رسانی شفاف و دقیق از تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها بویژه روشن شدن وضعیت زندانیانی که خبری از آنها نیست

ب- آزادی زندانیان سیاسی و نه انتقال به زندانهای دیگر (که با این ازدحام شرایط زندانیان سایر زندانها را هم بدتر میکند). زندانیان سیاسی را آزاد کنید.

پ- زندانیان غیر سیاسی هم حق دارند با تمهیداتی مناسب، مصون از خطر بوده و در شرایط انسانی و از امکانات ضروری برای زندگی بهره ببرند. جان و سلامت آنان باید تضمین شود.

پ- احکام اعدام بفوریت لغو شود. هر اعدامی در این شرایط بجز تشدید عامدانه رعب و وحشت نبوده و تشدید جنگ علیه مردم است.

شورای بازنشستگان ایران - ۷ تیرماه ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

بیانیه فوری جمعی از زندانیان زندان اوین

امروز دوشنبه ۲ تیر ۱۴۰۴، در پی حمله هوایی جنگنده‌های اسرائیل به زندان اوین، بخش‌هایی از ساختمان‌های اداری، بهداری و دفتر انتظامی دادرسی زندان به شدت تخریب شد. بخشی از بند چهار فرو ریخته، شیشه‌ها شکسته، و به دلیل هجوم زندانیان به طبقه پایین برای نجات جان خود، تعدادی زخمی شده‌اند. بهداری زندان عملاً نابود شده و هیچ امکانات اولیه‌ای برای درمان زخمی‌ها در بند وجود ندارد. مسئولان زندان از اعزام مجروحان به بیرون خودداری می‌کنند و عملاً زندانیان مجروح را بدون رسیدگی رها کرده‌اند. در همین حال، نیروهای امنیتی و گارد زندان با حضور گسترده در داخل بندها، به جای کمک‌رسانی، فضا را به شدت امنیتی و سرکوبگرانه کرده‌اند. تهدید، ارباب و فشار بر زندانیان به‌ویژه پس از وقوع حمله افزایش یافته است. در بیرون زندان، اتوبان‌های منتهی به اوین مسدود شده و از رسیدن خانواده‌ها جلوگیری می‌شود. با این حال جمعی از خانواده‌ها با وجود خطر، مقابل زندان اوین تجمع کرده‌اند. ما، زندانیان در محاصره و بی‌پناه، اعلام می‌کنیم: نه در برابر بمباران جایی برای فرار داشتیم، نه در برابر جنایت سازمان‌یافته‌ای که سال‌هاست جان و کرامت ما را زیر چکمه نگه داشته است. ما از مردم، خانواده‌ها و همه وجدان‌های بیدار می‌خواهیم: سکوت نکنید. برای نجات جان ما، همین حالا مقابل زندان اوین تجمع کنید. ما زخمی هستیم، تهدید شده‌ایم، و هر لحظه ممکن است جان‌مان را از دست بدهیم. ۲ جمعی از زندانیان اوین - ۲ تیر ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)



## جان زندانیان سیاسی در خطر است!

##آزادشان کنید

##راحله راحمی پور مسن ترین زندانی سیاسی، ۷۴ ساله که قریب سه سال از حکم پنج ساله را گذرانده و با وجود بیمارهای صعب‌العلاج در زندان قرچک، بدور از درمان محبوس است.

##کبری بیگی، زندانی سیاسی ۷۰ ساله، از اواخر مهرماه، جهت تحمل دوران محکومیت سه سال حبس خود، راهی زندان شد و اکنون در زندان جهنمی قرچک محبوس است.

بیش از ۶۰ زن زندانی سیاسی در پی بمباران اوین به بند قرنطینه زندان قرچک منتقل شده‌اند و در شرایط غیر انسانی در گرمای جهنمی و آب شور و نبود امکانات سرمایشی و تهویه هوا و عدم وجود بهداشت مناسب محبوس می‌باشند.

صدای زندانیان سیاسی باشیم!  
(برگرفته از کانال تلگرامی ندای زنان ایران)